



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

عمليات والقبحه

فتحاو

(طراعى، اجراء، فتاوى، بيان قايدها)

مركز دراسات و تحقيقات دينية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عملیات و الفجر ۸

نویسنده:

مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	عملیات والفجر ۸ فتح فاو
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۵	مقدمه
۱۸	شناسنامه عملیات
۲۰	مروری بر اوضاع قبل از عملیات
۲۰	تلاش غرب برای ایجاد توازن قوا در جنگ
۲۲	وضعیت عراق
۲۵	وضعیت ایران
۳۰	عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)
۳۰	اهداف و جایگاه عملیات والفجر ۸ در استراتژی نظامی ایران
۳۰	دلایل انتخاب منطقه
۳۱	موقعیت جغرافیایی و طبیعی منطقه فاو
۳۲	وضعیت دشمن
۳۴	طراحی عملیات
۳۴	طرح مانور
۳۶	شناسایی جریان آب ارون رود
۳۶	آموزش عبور غواصان از رودخانه
۳۷	سازمان رزم
۳۸	مرحله بندی عملیات
۴۰	توسعه در عمق
۴۲	شرح عملیات
۴۲	اشاره

۴۴	پاک سازی و الحاق
۴۵	غفلت و بی تحرکی دشمن در شب و روز اول
۴۵	نخستین پاتک دشمن در محور ساحلی
۴۶	شروع تلاش های اساسی دشمن
۴۸	درگیری با لشکر گارد
۵۰	جنگ هوایی
۵۲	تغییر تاکتیک دشمن
۵۲	آخرین تلاش های دشمن
۵۳	آخرین عملیات رزمندگان و تثبیت خط دفاعی
۵۴	نتایج عملیات
۵۷	مهم ترین ویژگی های عملیات والفجر ۸
۵۷	غافلگیری و فریب
۵۷	موقعیت زمین
۵۸	آتش
۵۸	دفاع ضد هوایی
۵۹	عبور غواصان از ابروند و شکستن خط دشمن
۶۰	وحدت فرماندهی
۶۰	علل موفقیت عملیات والفجر ۸
۶۳	نقاط قوت و ضعف دشمن
۶۳	نقاط قوت دشمن
۶۳	نقاط ضعف دشمن
۶۶	واکنش ها و بازتاب ها
۶۶	واکنش در برابر پیروزی ایران
۷۰	بازتاب ها
۷۲	اعتراف به شکست
۷۳	توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام

۷۵ ماجرای مک فارلین و تأثیر آن بر روابط امریکا، عراق و کشورهای منطقه

۸۲ درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: عملیات والفجر ۸ [هشت] فتح فاو (طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب ها) / تهیه و آماده سازی مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ [سپاه پاسداران انقلاب اسلامی]

مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ۷۰ ص. ۳ ورق نقشه تاشده (رنگی)، جدول؛ ۱۲ × ۲۱ س م

شابک: ۲۵۰۰ ریال ؛ ۲۵۰۰ ریال ؛ ۲۵۰۰ ریال ؛ ۲۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: The Battle of valfajr.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۰ - ۶۹

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- عملیات والفجر ۸

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- نبردها

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ مدیریت بهره دهی

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره: DSR۱۶۰۷ / ۲ ع ۸ ع ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۳۲۸۹۴

ص: ۱

دوران هشت سال دفاع و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر هجوم نظامی رژیم عراق - که با ترغیب امریکا آغاز شد و با پشتیبانی همه ی قدرت های سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان ادامه یافت - از بارزترین مقاطع حیات حقیقی این مرز و بوم است.

اینک که بیش از پانزده سال از پایان این دوره ی سرنوشت ساز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی می گذرد، تبیین حماسه های عظیم و ارزشمندی که مردم و رزمندگان این سرزمین آفریدند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با درک این رسالت تاریخی، تلاش می کند با بهره گیری از این اسناد، مدارک و منابع بی نظیری که راویان و محققان این مرکز در طول جنگ هشت ساله جمع آوری کرده اند، ابعاد مختلف دفاع مقدس را ترسیم نماید.

بی تردید وجود اخبار، گزارش ها، آمار و اطلاعات معتبر و موثقی که از مراکز طرح ریزی، هدایت و فرماندهی عملیات ها تا میدان نبرد و صحنه های درگیری به صورت زنده و واقعی جمع آوری گردیده بر غنای آثار مرکز مطالعات می افزاید و زوایای مختلف جنگ را با هدف آگاه سازی افکار عمومی روشن می سازد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تاکنون مجموعه های متعددی را درباره ی وقایع جنگ عراق علیه ایران منتشر کرده است. این مجموعه که گزارش نبردهای اصلی رزمندگان اسلام در مقابله با ارتش عراق و هم پیمانانش می باشد، برای دسترسی آسان تر و آشنایی بیشتر

علاقه مندان و محققان به وقایع این نبرد عظیم است که هر جلد آن به یکی از عملیات های اصلی جمهوری اسلامی علیه متجاوزان اختصاص دارد و به صورت نسبتاً خلاصه و جمع بندی شده تهیه می شود و شامل شناسنامه ی عملیات، اوضاع سیاسی و نظامی در آستانه عملیات طرح ریزی و اجرای عملیات، و نتایج و بازتاب های آن می باشد.

این کتاب با کوشش حمیدرضا فراهانی و مهدی خداوردی خان با استفاده از اسناد نظامی منتشر نشده ی مرکز مطالعات، منابع سیاسی و کتاب های منتشر شده ی مرکز از جمله کتاب " خرمشهر تا وفا " نوشته محمد درودیان و " تنبیه متجاوز " نوشته حسین اردستانی تهیه شده است. ویرایش کتاب را مهدی انصاری به عهده داشته است و در آماده سازی آن سیده زهره بطحایی (حروف چینی)، حسین مجیدی (نمونه خوانی)، و بیژن اردوئی (صفحه آرایی)، حسین امجد (طراحی جلد) و احمد نصرتی (کنترل نهایی)، همکاری کرده اند.

امید است این کوشش ناچیز مورد رضای حضرت حق جل و علا و موجب ادای گوشه ای از حق شهیدان، جانبازان و رزمندگان این نبرد عظیم و مقتدایشان حضرت امام خمینی شود و مورد استفاده ی جویندگان حقایق این واقعه بزرگ قرار گیرد.

مرکز تحقیقات جنگ

۱۳۸۲

ص: ۹

شناسنامه عملیات

نام عملیات: والفجر ۸

رمز عملیات: یا فاطمه زهرا (ع)

منطقه عملیات: جبهه جنوبی - فاو

زمان عملیات: ۱۳۶۴ / ۱۱ / ۲۰ تا ۱۳۶۵ / ۲ / ۹

نوع عملیات: گسترده

هدف: تصرف فاو و تهدید بصره از جنوب

فرماندهی عملیات: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سازمان رزم عملیات: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

استعداد نیروهای درگیر خودی: ۱۴۰ گردان پیاده، ۱۶ گردان توپخانه

استعداد نیروهای درگیر دشمن: ۱۲۶ گردان پیاده، ۳۳ گردان زرهی، ۲۳ گردان مکانیزه، ۲۹ گردان کماندو، ۲۰ گردان گارد جنوبی

تلفات عراق: ۵۰۰۰۰ کشته یا زخمی، ۲۱۰۵ اسیر

خسارات عراق: انهدام ۳۹ هواپیما، ۵ هلی کوپتر، ۵۴۰ تانک و نفربر، ۱۵۰ قبضه توپ صحرایی، ۵۵ توپ پدافند هوایی، ۵ دستگاه مهندسی، ۲۵۰ خودرو، ۲ ناوچه موشک انداز

غنایم: ۹۵ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰ قبضه توپ، ۱۲۰ قبضه توپ پدافند هوایی، ۳۰ دستگاه مهندسی، ۱۸۰ خودرو

نتایج:

- آزادسازی و تصرف ۹۴۰ کیلومتر مربع از سرزمین های ایران و عراق

- تصرف شهر بندری و مهم فاو

- انهدام وسیع نیرو و تجهیزات دشمن

- تسلط بر اروندرود

- انسداد راه عراق به خلیج فارس

- هم مرز شدن با کویت

ص: ۱۱

تلاش غرب برای ایجاد توازن قوا در جنگ

پیروزی های فزاینده جمهوری اسلامی در جنگ - که از سال دوم هجوم عراق آغاز شد و با فتح خرمشهر به اوج خود رسید - غرب را بر آن داشت تا برای تحمیل صلح یا آتش بس به جمهوری اسلامی بدون تأمین حقوق تضییع شده ایران، تلاش اصلی را بر حفظ صدام معطوف نماید. بدین ترتیب از یک سو قطعی غرب و پا فشاری بر حفظ صدام به هر شکل ممکن (با پشتیبانی همه جانبه از رژیم عراق و ادامه ی تحریم فروش سلاح های نظامی و تجهیزات به ایران) و از سوی دیگر عزم راسخ جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف خود در جنگ و تن ندادن به سازش و تسلیم نشدن در برابر فشارهای همه جانبه ی استکبار، نوعی حالت نه جنگ، نه صلح را میان طرفین حاکم ساخت. به عبارت دیگر، استکبار جهانی سعی داشت توان جمهوری اسلامی را فرسوده کند تا انجام دادن حرکتی سرنوشت ساز و تعیین کننده برای اختتام جنگ، با حفظ آرمانهای مطلوب ایران اسلامی امکان پذیر نباشد.

در واقع حفظ صدام و بازداشتن ایران از پا فشاری بر آرمان های خود، برای برقراری موازنه ی قوا بود. از این رو افزایش و تقویت توانایی های عراق، به ویژه نیروی هوایی این کشور، در دستور کار قدرت های بزرگ بود. در پی این پشتیبانی ها بود که ارتش عراق تلاش کرد آسمان را به طور مطلق در اختیار بگیرد تا جنگ را از میدان رزم زمینی به آسمان، دریا و شهرها بکشاند.

آنچه غرب را بر اتخاذ سیاست مزبور واداشت، هراس از تاکتیک های

ویژه جمهوری اسلامی بود، عامل اساسی که نقش تعیین کننده در کسب پیروزی داشت.

قوای نظامی جمهوری اسلامی با اقدامات و عملیات مبتکرانه، رژیم عراق را به فروپاشی تهدید می کرد که در این صورت گسترش انقلاب اسلامی را در پی داشت و منافع غرب را در منطقه خاورمیانه، با تهدید اساسی مواجه می ساخت. از این رو غرب برای بازداشتن ایران از دستیابی به هر گونه موفقیتی که رژیم بغداد را متزلزل و گسترش انقلاب اسلامی را تسهیل می کرد، به هر شیوه ی ممکن متوسل می شد.

بر این اساس غرب سیاست دیپلماسی - فشار را در پیش گرفت و در این روند، رژیم بغداد را برای فشار مستقیم به جمهوری اسلامی، تحت حمایت و هدایت قرار داد.

گرچه عراق توانایی بهره برداری لازم و کامل را از مساعدت های غرب نداشت، لیکن قدرت های بزرگ برای جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ، به انحاء مختلف و وسایل متعدد به کمک حاکمان بغداد شتافتند از جمله:

۱ - واگذاری تکنولوژی برتر (خصوصا در زمینه تجهیزات هوایی) به عراق.

۲ - قرار دادن اطلاعات کسب شده به وسیله آواکس ها و دیگر دستگاه های جاسوسی و اطلاعاتی در اختیار عراق.

۳ - کسب اطلاع از تاکتیک ها و توانایی های نظامی ایران و بهره برداری از فکر مستشاران نظامی برای کمک به عراق.

۴ - حمایت های تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی دنیای غرب و وابستگان آن خصوصا مرتجعین عرب منطقه از رژیم عراق.

ارتش عراق به رغم اینکه توانست در برهه ای خاص از زمان با گسترش سازمان رزم خود به ۵۰ لشکر و عمق بخشیدن به میادین مین و موانع و استحکاماتش و نیز ممانعت از تثبیت و تأمین مناطق تصرف شده، وقفه ای در پیشروی رزمندگان به داخل خاک عراق ایجاد کند، لیکن این وضع ناپایدار بود و با گذشت زمان و رشد توانایی های

جمهوری اسلامی در جنگ - طراحی عملیات در زمین های مختلف (دشت، کوهستان، آب، رمل و...)، سازماندهی نیرو و گسترش سازمان رزم - زمینه تزلزل و بی ثباتی رژیم بغداد فراهم شد.

در هر صورت، رویارویی غرب با چنین وضعیتی، بن بست جنگ را برای غرب پیچیده تر کرد و غرب نتوانست نگرانی خود را کاهش دهد.

البته گفتنی است که آنچه تا اندازه ای افزایش توان باز دارندگی عراق را موجب شد، گذشته از استراتژی ابر قدرت ها در حمایت های همه جانبه علمی و نظری از رژیم عراق، تلاش و سخت کوشی این رژیم در اصل قرار دادن جنگ بود. حکومت عراق با بسیج کردن کلیه امکانات در خدمت جنگ، جنگ را مسئله اصلی خود قرار داده بود و با توجه به ارتباط تنگاتنگ جنگ با اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی عراق و سرنوشت رژیم عراق، از هر گونه سهل انگاری در این باره جلوگیری می کرد.

وضعیت عراق

رژیم عراق روند تحولات جنگ در چهار سال گذشته و حفظ موقعیت دفاعی خود را ناشی از برتری تسلیحاتی و اطلاعاتی ارزیابی می کرد.

بدین معنا که رزمندگان اسلام پس از درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن با برتری آتش توپخانه، قدرت هوایی و قوای زرهی ارتش عراق مواجه می شدند که این برتری مانع از تثبیت مواضع تصرف شده می گردید. درک عراق از عوامل مؤثر در حفظ موقعیت دفاعی نیروهای عراقی در برابر ایران، آنها را بیش از گذشته به خرید تکنولوژی دفاعی، سلاح و تجهیزات ترغیب می کرد. حامیان عراق نیز بر پایه همین ملاحظه، همچنان سیل سلاح و تجهیزات نظامی را به سوی عراق سرازیر می کردند.

عراقی ها مایل بودند بیش از خرید سلاح تکنولوژی نظامی خریداری کنند تا از توانایی لازم برای تولید نیازمندی های دفاعی و بهسازی سلاح ها برخوردار شوند. از اوایل سال ۱۹۸۶، شواهد و قرائن موجود

نشان دهنده ی توانایی عراق در تولید بسیاری از تجهیزات نظامی بود.

دیپلمات های غربی در بغداد به دولت های متبوع خود گزارش دادند که عراق از بمب ها و مهمات ساخت داخل استفاده می کند. (۱).

به هر صورت، برابر گزارش آنتونی کردزمن، کارشناس نظامی امریکا، عراق در طول سال های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ مبلغ ۱۸ / ۱ میلیارد دلار سلاح و تجهیزات نظامی خریداری کرده است. این کارشناس نظامی مجموع نیروهای نظامی ثابت ارتش عراق را در سال ۱۳۶۴ تعداد ۷۵۰۰۰۰ تن و نیروهای جیش الشعبی عراق را ۶۵۰۰۰۰ تن برآورده کرده است.

کردزمن آمار تجهیزات اصلی ارتش عراق را در سال ۱۳۶۴ چنین اعلام کرده است:

تانک ۴۸۲۰ دستگاه

خودروهای زرهی ۳۲۰۰ دستگاه

توپخانه سنگین ۳۰۰۰ قبضه

توپ پدافند هوایی بیش از ۴۰۰ قبضه

خودرو تانک بر ۲۰۰۰ دستگاه

هوایمای عملیاتی ۵۸۰ فروند

هلی کوپتر ۳۸۰ فروند (۲).

استعداد نیروهای پدافندی دشمن در جبهه ها عبارت بود از:

۵۵۵ گردان نیروی پیاده

۱۴۸ گردان تانک و مکانیزه

۱۲۵ گردان توپخانه

۴۰ گردان پدافند هوایی

در مجموع ارتش عراق در نیمه دوم سال ۱۳۶۴، تعداد ۵ لشکر زرهی، ۳ تیپ مستقل زرهی، ۲ تیپ مستقل مکانیزه، ۲۰ تا ۲۵ لشکر پیاده و ۸۰ تیپ مستقل و ۱۰ تیپ مستقل نیروی مخصوص و کماندویی در اختیار داشت. (۳).

همچنین بنابر تجزیه و تحلیلی که معاون عملیات فرمانده کل سپاه (غلامعلی رشید) به عمل آورده و در تاریخ ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۴
ارائه کرده

ص: ۱۵

۱-۱. کنت. آر. تیمرمن سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۶)، ص
۴۵۵.

۲-۲. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز
مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۱۹) منتشر نشده).

۳-۳. محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵)، ص ۱۵۵.

است، ارتش عراق بر پایه سازمان و نیروی انسانی و تجهیزاتی که در اختیار داشت از توانایی های زیر برخوردار بود:

دشمن در هر زمان توانایی جابه جایی ۳ لشکر پیاده را در هر منطقه دارد. یک تیپ پیاده را در عرض ۲۴ ساعت جابه جا می کند. یک تیپ زرهی را در ۷۲ ساعت از غرب منتقل می کند.

- دشمن در هر زمان دارای ۵ لشکر زرهی و مکانیزه است که در عرض ۴ تا ۵ روز قابلیت مانور و جابه جایی سریع را دارد.

- دشمن در هر زمان توانایی تمرکز ۴۰ گردان توپخانه را برای مقابله با نیروی مهاجم دارد.

- دشمن توانایی یک ماه بمباران و فشار هوایی به گستردگی عملیات بدر را دارد.

- دشمن توانایی اداره دو عملیات همزمان به وسعت ۳ تا ۴ لشکر را دارد.

- دشمن در برابر عملیات آفندی ما با ۱۰۰ گردان، می تواند با ۳۰۰ گردان آزاد مقابله کند. (۱).

وضعیت ایران

مشکل ایران در مرحله جدید با توجه به افزایش توان نظامی عراق، اساساً ناشی از این بود که به راحتی قادر به کسب پیروزی نظامی برای تغییر توازن به سود خود نبود. در واقع تقویت عراق و متقابلاً تضعیف ایران، فاصله میان توان مندی ایران برای تهاجم و کسب پیروزی و توانایی عراق برای مقابله با تهاجمات ایران را به نحوی آشکار افزایش داده بود. به عبارت دیگر، امکانات و مقدورات سپاه با خلاقیت و ابتکارات این نیرو برای دستیابی به پیروزی لازم، به تناسب ضرورت ها و اوضاع سیاسی حاکم بر جنگ نبود.

در سال ششم جنگ در وضعیتی که دشمن حدود ۵۵۰ گردان نیروی پیاده در اختیار داشت و برای مقابله با عملیات آفندی، از ۳۰۰ گردان نیروی آزاد برخوردار بود، سپاه تنها ۸۰ گردان نیرو برای ۷ روز

ص: ۱۶

جنگ در اختیار داشت. ضمن اینکه بخشی از توان رزمی سپاه به عنوان یک نیروی دفاعی در مناطق تصرف شده، مانند جزایر مجنون و هور زمین گیر شده بود. در این روند کاهش توان ایران در برابر عراق دو عارضه اساسی به دنبال داشت: نخست آنکه نمی توانست از امکان غافل گیری و تجزیه قوای دشمن برخوردار شود، در نتیجه اجرای عملیات با نوعی ریسک و عدم موفقیت همراه بود. علاوه بر این، قوای ایران فاقد توانایی لازم برای نبرد طولانی در یک عملیات بود. زیرا بلافاصله پس از آغاز عملیات، در حالی که خطوط دفاعی دشمن در هم شکسته شده بود، دشمن به سرعت نیروهای خود را در منطقه عملیات متمرکز می کرد و با افزایش آتش هوایی و توپخانه تدریجاً نیروهای خودی را از مناطق تصرف شده عقب می راند.

با توجه به واقعیت های موجود، کم کم این اعتقاد به وجود آمد که

«با این توان نمی توانیم غافل گیری را رعایت کنیم و قطعاً باید این توان ۲ تا ۳ برابر شود که با یکی دشمن را فریب بدهیم و با ۲ توان دیگر بتوانیم به طور جدی عمل کنیم» (۱).

بر پایه همین ملاحظه در انتخاب منطقه عملیات نیز دچار مشکل بودیم. لذا چنین استدلال می شد که ما جایی می توانیم بجنگیم که بلافاصله پشت یک رودخانه، یک عارضه یا تنگه ای برسیم تا دشمن براحتی نتواند به ما حمله کند.

پس از عملیات بدر بحث های بسیار اساسی و جدی در مورد نحوه ادامه جنگ صورت گرفت لازمه ارائه طرح به شورای عالی دفاع بررسی ای همه جانبه بود که با حضور فرماندهان سپاه انجام شد.

سپاه از یک سو به این نتیجه قطعی و روشن رسیده بود که با روش گذشته امکان ادامه جنگ با عملیات گسترده وجود ندارد و از سوی دیگر اوضاع جنگ پس از عملیات بدر، با تشدید فشار به ایران، اجرای عملیات را ضروری ساخته بود در واقع میان توانایی ایران برای اجرای عملیات مؤثر و تعیین کننده با تضمین پیروزی، با اوضاع و ضرورت های سیاسی حاکم بر جنگ، تناسبی وجود نداشت. پیدایش این وضعیت در

ص: ۱۷

۱-۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۲۲۱ / گ "مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از عملیات بدر"، آذر ۱۳۶۵، ص ۳۳.

جنگ بیش از هر مسئله ای متأثر از نحوه نگرش به جنگ و کسب پیروزی بود. بدین معنا که پس از فتح خرمشهر پیروزی بر عراق بسیار سهل و آسان پنداشته می شد و این باور همگانی وجود داشت که صدام در حال سقوط است. بر پایه همین نگرش، تفکرات استراتژیک مسئولان درباره ی جنگ مبنی بر "کسب یک پیروزی و خاتمه جنگ"، متعاقب ناکامی در عملیات رمضان تدریجاً شکل گرفت. در چار چوب این تفکر تصور می شد با یک پیروزی قاطع می توان جنگ را تمام کرد، لذا نیازی به بسیج کشور در خدمت جنگ نیست. این گونه تفکرات منطبق و همسو با اندیشه استراتژیک امام در مورد جنگ نبود. شکاف موجود میان دو نگرش یاد شده در واقع از مهمترین دلایل وضعیت جنگ در چهار سال گذشته بود. تدریجاً با گسترش دامنه جنگ و فشار بر ایران و افزایش موانع موجود برای دستیابی به پیروزی، نوعی تردید و ناامیدی در مسئولان به وجود آمد. برخی چنین تصور می کردند که کار تمام شده است و باید چهار سال پیش (پس از فتح خرمشهر) تصمیم می گرفتیم. علاوه بر این، مشاهده واکنش حامیان عراق در مورد پیروزی های نسبی ایران، این نگرانی را به وجود آورده بود که حتی اگر موفق به تصرف بغداد بشویم امکان حمله اتمی به ایران وجود دارد!

سپاه با الهام از نظریات امام و درکی که از اوضاع و ضرورت های جنگ داشت در اندیشه تداوم جنگ بود.

با بررسی هایی که انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که برای ادامه جنگ، بدون بسیج کلیه ی سازمان ها و امکانات کشور، امکان پشتیبانی از جنگ وجود ندارد. حداقل توان لازم برای ادامه جنگ ۳۰۰ گردان نیرو بود که آخرین پیشنهاد سپاه ارائه شد. در عین حال جمع بندی نتایج جلسات فرماندهان سپاه در این مرحله به شرح زیر بود:

۱ - استراتژی جنگ تاکنون براساس "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" بوده که این سیاست با شکست مواجه شده است، لذا باید استراتژی جنگ تغییر کند.

۲ - توان خودی در مقایسه با توان دشمن کاهش یافته، لذا توان موجود

نه تنها برای کسب پیروزی کامل نظامی بلکه برای ادامه جنگ هم کافی نیست.

۳- با توان موجود تنها می توان عملیات محدود انجام داد.

۴- باید با یک فرماندهی واحد با اختیارات و ستاد تخصصی، با قدرت کشور را به جنگ بکشاند و کلیه امکانات و نیروها را برای پیشبرد جنگ به کار گیرد.

۵- ادامه همکاری ارتش و سپاه به صورت گذشته امکان پذیر نیست. لذا باید به صورت مستقل و جداگانه همکاری کنند. سپاه و ارتش طرح ها را بدهند. فرماندهی (عالی) تصمیم بگیرد و هر کدام در زمین پیشنهادی خود بکنند.

۶- به دلیل کمبود آتش توپخانه و هوایی. زرهی خودی و برتری دشمن در این زمینه ها، اساس جنگ همچنان بر عملیات نیروهای پیاده در شب همراه با حفظ غافل گیری می باشد (۱).

با تبیین استراتژی جنگ و ارائه آن از سوی سپاه این شائبه که سپاه تمایل به ادامه جنگ ندارد، گسترش یافت! این وضعیت در حالی پیش آمده بود که قبل از آن تمایل سپاه به ادامه جنگ بنابر نظر امام خمینی، عامل اصلی در ادامه جنگ ذکر می شد! در نتیجه سپاه در مرحله جدید که اساسا بار جنگ را بر دوش می کشید تحت فشار برخی جریان ها قرار گرفته بود.

سپاه بر پایه همین ملاحظات و برای استمرار جنگ، استراتژی جدیدی را تبیین کرد که از اصول زیر پیروی می کرد:

۱- ضرورت ادامه جنگ دراز مدت.

۲- اجرای عملیات محدود با هدف زنده نگه داشتن جنگ و فشار نظامی بر دشمن.

۳- افزایش توان و سازمان رزم سپاه برای اجرای عملیات گسترده.

۴- طرح ریزی و اجرای عملیات گسترده به صورت مستقل.

سپاه در فاصله خرداد ۱۳۶۴ تا شهریور همان سال سلسله عملیات محدودی را انجام داد که آثار مثبتی بر جای نهاد. علاوه بر این، تلاش

ص: ۱۹

برای عملیات گسترده، با توجه به تجارب حاصله در عملیات های پیشین، به ویژه عملیات بدر، منجر به تعیین شرایطی به شرح زیر شد:

۱ - در اختیار داشتن حداقل ۱۵۰ گردان نیرو (هدف های ارزشمند در جنوب بدون ۱۵۰ گردان قابل تصرف نبود).

۲ - بیش از یک میلیون گلوله توپ برای آتش پشتیبانی مناسب در یک عملیات گسترده.

۳ - سلاح ضد زره به اندازه کافی (حداقل سه هزار موشک تاو) برای اجرای یک عملیات گسترده

۴ - اجرای تک پشتیبانی در جزیره مینو.

۵ - شرکت مؤثر نیروهای هوایی ارتش برای پشتیبانی هوایی عملیات. (۱).

این وضعیت در حالی بود که طبق برآورد آنوتونی کاردزمن کارشناس نظامی آمریکا، آمار تجهیزات اصلی نظامی ایران چنین بود:

تانک ۱۰۵۰ دستگاه

خودروی زرهی ۱۲۴۰ دستگاه

توپخانه سنگین ۱۰۰۰ قبضه

هوایمای عملیاتی ۹۵ فروند

هلی کوپتر ۳۹۰ فروند (۲).

گفتنی است که حتی در صورت صحت این برآورد با توجه به مشکلاتی که در تهیه لوازم یدکی و مهمات وجود داشت، امکان استفاده ی مناسب از تجهیزات موجود، به ویژه هوایماهای جنگی مقدور نبود.

ص: ۲۰

۱-۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۲۲۰ / گ "انتخاب منطقه فدک (فاو)"، گزارش راوی قرارگاه خاتم

الانیا(داوود رنجبر)، مهر ۱۳۶۵، ص ۱۲۵ و ص ۸۱.

۲-۸. مأخذ شماره ۲.

اهداف و جایگاه عملیات والفجر ۸ در استراتژی نظامی ایران

هر چه جنگ ایران و عراق تداوم می یافت در مسیر تحقق استراتژی ایران پیچیدگی و دشواری بیشتری بروز می کرد. البته حفظ ابتکار عمل و اجرای عملیات های بزرگ که نقش تعیین کننده ای در موازنه ی سیاسی - نظامی جنگ داشت، ضرورتی انکار ناپذیر برای کشور و انقلاب بود، دستیابی به برتری در موازنه نیز بستگی بسیار به عملیاتی داشت که طی آن تمام توان دشمن به رویارویی کشیده شده و منهدم شود در واقع، انهدام دشمن و تصرف زمین های استراتژیک از هدف های اساسی جنگ به شمار می رفت. از این رو، عملیات والفجر ۸، برای تحقق استراتژی تنبیه متجاوز در بعد نظامی و به ویژه در بعد سیاسی اهمیت بسزایی داشت. مهمترین هدف های سیاسی - نظامی این عملیات چنین بود: ۱ - تصرف شهر فاو ۲ - تسلط بر اروند رود ۳ - تهدید بندر ام القصر ۴ - هم مرزی با کویت. ۵ - مسدود کردن راه ورود عراق به خلیج فارس. ۶ - تأمین خورموسی و امکان تردد کشتی ها به بندر امام خمینی. ۷ - انهدام سکوها ی پرتاب موشک عراق در منطقه فاو.

دلایل انتخاب منطقه

بحث و بررسی برای انتخاب منطقه فاو جهت اجرای عملیات گسترده از خرداد ۱۳۶۴ آغاز شد. علی شمخانی در جلسه قرارگاه خاتم الانبیا (ص) درباره ی ملاحظات ی که بایستی در اجرای عملیات در نظر

گرفته می شد، گفت:

« ۱ - ما مجبوریم عملیاتی را شروع کنیم که مبتنی بر توانمان باشد.

۲ - توان دشمن در آنجا محدودتر باشد. ۳ - براساس تجربه عملیات خیبر و بدر باشد. ۴ - بتوانیم مسئله آتش دشمن را که در عملیات بدر مسئله اساسی بود حل کنیم.» (۱).

براساس این ملاحظات مهم ترین علت انتخاب منطقه فاو برای عملیات، نوع ویژگی های زمین این منطقه بود، وجود آب در سه طرف منطقه عملیات و رویارویی با دشمن تنها در یک پیشانی جنگی و همچنین امکان اجرای آتش پر حجم توپخانه و ادوات از آبادان تا فاو شد. به علاوه، محدود بودن زمین که کمیت محدود و کیفیت بالا را هم دارا بود، در این انتخاب مؤثر بود. همچنین با توجه به اینکه دشمن در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران توانایی عبور از اروند رود را تصور نمی کرد و نیز، تجارب به دست آمده در عملیات های خیبر و بدر و ارزشمند بودن هدف از نظر سیاسی و نظامی، از جمله عوامل دیگری بودند که در انتخاب منطقه فاو برای عملیات مورد توجه قرار گرفتند.

موقعیت جغرافیایی و طبیعی منطقه فاو

منطقه فاو در جنوبی ترین قسمت خاک عراق و در شمال خلیج فارس واقع شده است. رودخانه اروند در شرق، خور عبدالله در غرب و خلیج فارس در جنوب فاو قرار دارد. ساحل شرقی و غربی اروند رود را نخلستان پوشانده است و ساحل دو طرف با نهرهای متعددی به این رودخانه متصل می شوند. در سمت راست ایران، رودخانه بهمنشیر به موازات اروند رود، به خلیج فارس منتهی می شود. در شمال این منطقه، شهرهای آبادان و بصره قرار دارند که با جاده ی خسروآباد در خاک ایران و جاده های البحار، فاو - بصره و ام القصر در خاک عراق، با فاو مرتبط هستند. همچنین، در این منطقه دریاچه ی (کارخانه) نمک وجود داشت

ص: ۲۲

که سیل بندهای متعدد آن مهمترین عارضه به حساب می آمد. در این محل، به دلیل نمک زار بودن، زمین باتلاقی بوده و استفاده از ادوات زرهی به راحتی میسر نبود. زمین های دیگر این منطقه نیز شوره زار است که بر اثر بارش باران به شدت لغزنده می شوند و تردد وسایل نقلیه را با مشکل مواجه می کند. در مجموع، منطقه والفجر ۸ ویژگی هایی داشت که با وجود ضعف تجهیزات و تسلیحات خودی، اجرای عملیاتی موفق در این منطقه دور از انتظار نبود.

وضعیت دشمن

با توجه به تجربه سال های قبل، عراق در زمستان انتظار حمله رزمندگان جمهوری اسلامی را در جبهه جنوب داشت. ارتش عراق منطقه هورالهویزه را در صدر دیگر مناطق جبهه جنوب، برای این حمله پیش بینی می کرد. از دلایلی که عراق حمله ی آتی ایران را در هور تصور می کرد سابقه اجرای عملیات های بدر و خبیر در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در این منطقه بود. همچنین تسلط کامل نداشتن دشمن بر این منطقه و در مقابل تسلط بیشتر ایران در آنجا، در نظر عراق بر احتمال این حمله از منطقه هور می افزود. علاوه بر این، حجم گسترده فعالیت های مهندسی و نقل و انتقالات خودی در منطقه هور، دشمن را به این نتیجه رسانده بود که ایران از هور حمله خواهد کرد.

در منطقه ی شرق اروند رود نیز ایران فعالیت مهندسی داشت، به خصوص از آذر ماه ۱۳۶۴ به بعد این اقدامات افزایش یافت و دشمن نیز از این اقدامات آگاهی داشت. اما چند عامل سبب شد که عراق به شرق اروند توجه لازم را نکند: ۱ - منصرف شدن ایران از حمله به فاو در تابستان ۲۰۱۳۶۳ - گسترش فعالیت ایران در هورالهویزه، به ویژه روی پد خندق و جزایر مجنون. ۳ - دشمن توانایی و تجهیزات ایران را برای عبور از اروندرود ناکافی می پنداشت. ضمن آن که با تحلیل و علم کلاسیک امکان حمله ی ایران از اروندرود بعید می نمود.

با توجه به آنچه گفته شد، ارتش عراق به تقویت محور هورالهویزه

پرداخت و به بمباران بی سابقه این منطقه اقدام کرد. در مجموع، فرماندهان عراقی، تک احتمالی رزمندگان اسلام را از محور فاو، فریب می دانستند و در حوزه ی عملیاتی سپاه هفتم، به منطقه ام الرصاص توجه بیشتری داشتند.

منطقه ی عملیاتی فاو تحت مسئولیت سپاه هفتم ارتش عراق قرار داشت و پدافند این منطقه (از جنوب زیادیه تا رأس البیشه) به عهده ی لشکر ۲۶ پیاده بود. این لشکر در مجموع با ۶ تیپ پیاده، ۲ تیپ پیاده ساحلی، ۲ ناو تیپ و ۵ گردان توپخانه از این منطقه پدافند می کرد.

با شروع عملیات، ارتش عراق ۸ لشکر پیاده، ۴ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه، لشکر دفاع ساحلی و لشکر گارد ریاست جمهوری را نیز وارد منطقه فاو کرد.

در مجموع، یگان هایی که قبل از عملیات والفجر ۸ در این منطقه عملیاتی بودند و یگان هایی که در حین عملیات وارد منطقه فاو شدند، عبارتند از:

یگان پیاده شامل تیپ های ۷۰۴ ۷۰۳ ۷۰۲ ۶۰۳ ۶۰۲ ۵۰۲ ۵۰۱ ۴۴۲ ۴۲۴ ۴۲۱ ۴۱۹ ۴۱۴ ۱۱۱ ۱۱۰ ۱۰۸ ۱۰۴ ۹۶ ۹۵
۴۸ ۴۷ ۳۹ ۳۲ ۲۹ ۲۲ ۵ ۲.

یگان پیاده ساحلی، شامل تیپ های ۴۴۳ ۴۴۱ ۴۴۰.

یگان زرهی، شامل تیپ های ۴۲ ۳۴ ۳۰ ۲۶ ۱۶ و گردان های تانک ۱۷ تموز، الرافدین، ذوالنورین و گردان ۴۳ از لشکر ۵.

یگان مکانیزه، شامل تیپ های ۲۵ ۲۴ ۲۰ ۱۵ ۸.

نیروی مخصوص، شامل تیپ های ۶۸ ۶۶ ۶۵.

گارد ریاست جمهوری، شامل تیپ های ۱ مکانیزه، ۲ کماندو، ۳ نیروی مخصوص، ۴ مکانیزه و ۱۰ زرهی و یک گردان کماندویی.

نیروهای کماندو، شامل تیپ های کماندویی سپاه های ۷ ۶ ۴ ۳، تیپ ۷۳ از لشکر ۱۷، گردان حطین، گردان ۵ از لشکر ۲۶ و گردان کماندویی لشکر ۱۵.

نیروهای جیش الشعبی، شامل شش قاطع جیش الشعبی تحت امر لشکر ۲۶. (۱).

ص: ۲۴

در طرح ریزی مانور عملیات والفجر ۸ دو عامل بسیار مؤثر بودند:

۱ - تجارب عملیات بدر. ۲ - پیچیدگی ها و ویژگی های خاص این عملیات. فرمانده سپاه پاسداران در جمع فرماندهان در این باره گفت:

«در این عملیات بایستی کل تجارب جنگ به کار گرفته شود: جنگ شهری، جنگ در دشت، جنگ در آب و...» (۱).

در واقع عملیات فاو، در صحنه بروز تمام قابلیت های نظامی، ابتکار عمل و خطرپذیری سپاه پاسداران برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی بود.

در طراحی مانور این عملیات مسائل مهمی وجود داشت که درباره ی آنها ساعت ها بحث کارشناسی شد. اهم این مسائل عبارت بودند از:

۱ - بررسی وضعیت جزر و مد آب در زمان های مختلف و در نوبت های متعدد و بررسی تأثیر عوامل مختلف از جمله: روز، شب، خورشید و ماه و ساعات مختلف شبانه روز در جزر و مد آب و سرعت آن.

۲ - بررسی تأثیر جزر و مد آب بر حرکت غواصان و قایق ها.

۳ - هماهنگی عبور غواصان با جزر و مد و تاریکی مطلق هوا؛ سرمای شدید آب در فصل زمستان و حرکت غواصان در داخل آب در نیمه های شب.

۴ - بررسی چگونگی عبور غواصان از عرض بیش از یک کیلومتری اروند رود.

۵ - بررسی چگونگی خط شکن غواصان و سرپل گیری، پاک سازی خط اول و آماده سازی ساحل برای ورود نیروهای موج دوم با همت غواصان.

۶ - بررسی چگونگی هماهنگی حرکت نیروهای موج دوم (قایق سواران) با جریان جزر و مد آب و پر بودن نهرهای آب حاشیه اروند برای استفاده از قایق ها.

ص: ۲۵

۷- بررسی چگونگی حرکت نیروهای موج دوم و نحوه ی پیاده شدن آنها در ساحل دشمن و توسعه سر پل با تلاش آنها.

۸- تصرف نقاط استراتژیک در ساحل دشمن، مانند اسکله چهار چراغ، بندر فاو، شهر فاو و پایگاه های موشکی.

۹- تسلط بر سه جاده البحار، استراتژیک (فاو - بصره) و ام القصر که در آستانه شهر فاو به یکدیگر نزدیک می شوند.

۱۰- گسترش میدان عملیات به سمت کارخانه نمک.

۱۱- مقابله با حرکت دشمن از شمال (بصره) به جنوب منطقه (فاو).

۱۲- تأمین جناح های عملیات در سمت اروند رود و سمت خور عبدالله.

۱۳- تشکیل خط پدافندی در شمال کارخانه نمک.

در طراحی عملیات برای اجرای عملیات در منطقه فاو، دو قرارگاه اصلی با مأموریت های زیر در نظر گرفته شد:

الف) قرارگاه کربلا به فرماندهی احمد غلامپور که مسئولیت شکستن خط در محور اسکله ی چهار چراغ و شهر فاو، ادامه ی عملیات روی جاده فاو - البحار و تأمین جناح راست عملیات را بر عهده داشت.

ب) قرارگاه نوح به فرماندهی حسین علایی که مسئولیت شکستن خط در سمت چپ قرارگاه کربلا و مقابل پایگاه موشکی عراق، ادامه عملیات روی جاده فاو - ام القصر و تأمین جناح چپ عملیات (سمت خور عبدالله) را عهده دار بود.

همچنین چهار قرارگاه فرعی با مأموریت های جداگانه به شرح زیر تشکیل شدند:

۱- قرارگاه یونس ۱: تحت امر قرارگاه نوح بود با ناو تپ کوثر مأموریت تصرف اسکله ی العمیه را بر عهده داشت.

۲- قرارگاه یونس ۲: قرارگاه عملیاتی نیروی دریایی ارتش و تحت امر قرارگاه خاتم الانبیا (ص) بود و مأموریت تصرف اسکله ی البکر را بر عهده داشت.

۳- قرارگاه رعد: قرارگاه عملیاتی نیروی هوایی ارتش بود و مأموریت پشتیبانی هوایی را بر عهده داشت.

۴- قرارگاه شهید سلیمان خاطره: قرارگاه عملیاتی هوانیروز ارتش بود و مأموریت تشکیل تیم آتش، تخلیه مجروح و هلی برن نیروها را بر عهده داشت.

علاوه بر این، دو قرارگاه عملیاتی مسئولیت عملیات پشتیبانی فریب را عهده دار شدند تا از توجه دشمن به منطقه فاو جلوگیری کنند و حساسیت او را در مناطق دیگر برانگیزند:

۱- قرارگاه قدس به فرماندهی عزیز جعفری که مسئولیت عملیات پشتیبانی نزدیک در منطقه ابوالخصیب (ام الرصاص) را بر عهده داشت.

۲- قرارگاه نجف به فرماندهی مصطفی ایزدی، با مسئولیت عملیات پشتیبانی دور در منطقه سلیمانیه. (۱).

شناسایی جریان آب اروند رود

برای شناسایی و درک حالت های مختلف جریان آب اروند رود، که در قسمت های مختلف رودخانه (ساحل خودی، ساحل دشمن، وسط رودخانه، سطح آب زیر آب) و در زمان های مختلف، وضعیتی متفاوت دارد، ماه ها کار و بررسی شد و اطلاعات موجود درباره تاریخچه این رودخانه و نیز اوضاع جوی منطقه خسرو آباد و فاو طی ۲۰ سال گذشته که از اداره ی هواشناسی گرفته شد، بررسی گردید و اطلاعات کافی در این زمینه گرد آمد و جداول مورد نیاز از جریان جزر و مد رودخانه در حالات و زمان های مختلف و نقاط مختلف تهیه شد و با تسلطی که در این زمینه به دست آمد برنامه ریزی و زمان بندی عبور غواصان خط شکن و قایق های موج دوم، میسر شد.

آموزش عبور غواصان از رودخانه

برای آمادگی عبور غواصان از اروند رود آموزش ها و تمرین های زیادی انجام شد. این اقدام برگرفته از تجربه ی عملیات بدر بود. عملیات والفجر ۸ اوج خطرپذیری انقلابی نیروهای حزب اللهی و پیرو خط امام را به نمایش گذاشت. در این باره، یکی از نگرانی های اصلی، تأثیر جریان آب

ص: ۲۷

بر حرکت غواصان و دور شدن آنها از هدف واگذار شده به آنها بود. ناخدا ملک زادگان، فرمانده نیروی دریایی ارتش در آن زمان، پس از شنیدن سخنان مسئولان امر درباره ی طرح عملیات، گفت:

«اظهارات نشان داده است که اگر غواص از یک نقطه بخواهد به نقطه روبه رو حرکت کند، بعضی وقت ها پنج شش کیلومتر بالا- و پایین می رود و این بستگی به جریان آب دارد. بنابراین، در ارزیابی ای که لازم بود اینجا ارائه بشود، آن نیروهای خط شکن که بخواهند در طول (از شرق به غرب) رودخانه عبور کنند به نظر بنده به طور شناور و غواصی، امکان خیلی کمی است که موفق شوند.» (۱).

اظهارات ناخدا ملک زادگان با توجه به وضعیت جریان آب اروندرود صحیح بود، اما پیگیری و تلاش و تمرین نیروها و تسلط اطلاعاتی بر جریان های مختلف آب اروندرود موجب غلبه بر این نگرانی شد. شش روز پس از اظهارات فرمانده ی نیروی دریایی، در جلسه ی مشترک قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) در اهواز در ۲۳ دی ۱۳۶۴، احمد غلامپور، جانشین قرارگاه کربلا گفت:

«به هنگام شناسایی در حالت جزر و مد آب، نیرو به چپ و راست می رفت ولی با تجربه به این نتیجه رسیده ایم که هر کجا خواستیم، برویم.» (۲).

سازمان رزم

قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) هدایت و اجرای عملیات والفجر ۸ را با دو قرارگاه عملیاتی کربلا و نوح بر عهده داشت. یگان های تحت امر این دو قرارگاه به ترتیب زیر بودند:

الف) قرارگاه کربلا (محور شمالی):

- لشکر ۵ نصر

ص: ۲۸

۱- ۱۳. مأخذ شماره ۱۱.

۲- ۱۴. مأخذ شماره ۱۱.

- لشکر ۷ ولی عصر (عج)

- لشکر ۸ نجف اشرف

- لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

- لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع)

- لشکر ۲۵ کربلا

- لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

- لشکر ۳۱ عاشورا

- تیپ مستقل ۱۵ امام حسن (ع)

- تیپ مستقل ۳۲ انصار الحسین (ع)

- تیپ مستقل ۴۴ قمر بنی هاشم (ع)

ب) قرارگاه نوح (محور جنوبی):

- لشکر ۱۹ فجر

- لشکر ۴۱ نارالله (ع)

- تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج)

در مجموع ۱۴۰ گردان نیروی رزمی و ۱۶ گردان توپخانه برای اجرای عملیات سازمان دهی شده بود. (۱).

مرحله بندی عملیات

برای اطمینان کافی از دقت در عبور از رودخانه، چگونگی شکستن خط و گرفتن سر پل و کسب اطلاع از میزان هوشیاری دشمن و تدبیر مرحله بندی عملیات، نیاز به حضور در غرب اروند رود و شناخت بیشتر از واکنش های دشمن بود. اما با استفاده از عکس های هوایی و عکس هایی که با دوربین های قوی از ساحل دشمن گرفته شد و نقشه اطلاعات به دست آمده از دیگر شناسایی ها، چهار مرحله برای اجرای عملیات در نظر گرفته شد:

۱ - عبور از رودخانه، شکستن خط، گرفتن سر پل تصرف شده.

۲ - تصرف شهر فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در مثلثی شمال

ص: ۲۹

۱-۱۵. مأخذ شماره ۱۰، ص ۹۹.

شهر که از تقاطع سه جاده البحار، فاو - بصره و ام القصر به وجود آمده بود. همچنین، استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر فاو، می بایستی در مرحله دوم تحقق می پذیرفت. این نقطه برای داشتن جناح از دشمن، بسیار مهم تلقی می شد.

۳ - پیشروی تا ابتدای کارخانه ی نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این نقطه از ساحل تا خور عبدالله.

۴ - رسیدن به زمین انتهایی کارخانه نمک و کانال انتهایی کارخانه واقع روی جاده ام القصر تا ساحل رودخانه.

مأموریت مرحله اول عملیات، به لشکرهای ۷ ولی عصر (عج)، ۵ نصر، ۴۱ ثارالله (ع)، ۳۱ عاشورا، ۲۵ کربلا، ۱۴ امام حسین (ع)، ۱۹ فجر و تیپ های ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) و ۳۳ المهدی (عج) واگذار شد. در مرحله دوم، لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)، و در مرحله سوم، لشکرهای ۸ نجف و ۳۱ عاشورا برای تحقق طرح مانور می بایست وارد عمل می شدند. در مرحله چهارم نیز تمام یگان های مورد نظر حضور داشتند. (۱).

توسعه در عمق

در عملیات های بزرگی که پس از فتح خرمشهر انجام شد، همواره میان عمق بخشیدن به عملیات و توان موجود از یک سو، و هماهنگی پیشروی با پشتیبانی عملیات از لحاظ مهندسی از سوی دیگر، تعارض وجود داشت. در طراحی این عملیات نیز توسعه در عمق و استمرار عملیات مورد توجه قرار گرفت.

فرمانده سپاه در جلسه ای با حضور فرماندهان یگان های سپاه گفت:

«ما باید روز اول و دوم حداکثر استفاده را بنماییم و همه (مهندسی ها، زرهی ها، لشکرها) هنر خود را به خرج بدهیم. اگر بخواهیم دست دست کنیم و حالا مطمئن شویم که خط شکسته یا نشکسته است، مانند سیل بندی (خط اول) عملیات بدر می شود که تا

ص: ۳۰

صبح فرماندهان منتظر وضعیت بودند. صبح دیدند که عراقی ها کفش ها را گذاشته اند و فرار کرده اند و (پس از آن) رفتیم جلو. اینجا (فاو) وقتی که دشمن در دشت پراکنده شد، ما در روز می توانیم بجنگیم.» (۱) فرمانده ی سپاه در جلسه ی دیگری با اطمینانی که در مورد غافل گیری دشمن داشت، ضمن تأکید بر استمرار عملیات و عدم تأخیر در حرکت های بعدی، گفت: «اگر در آن طرف، دشمن آماده نبود و ما نیز (حتی) لودر و بلدوزرمان از آب عبور نکرده بود، ولی تانک در دست داشتیم، باید برویم تا مرحله چهارم.» (۲).

بدین ترتیب استمرار در تحقق هدف های عملیات با گام های بلند بسیار تأکید شد. علاوه بر این، مسائلی مانند آتش پر حجم ادوات و توپخانه، به کارگیری زرهی، مهندسی و مسئله عبور که جزء بغرنج ترین مسائل عملیات به شمار می رفت، در طرح مانور به آنها پرداخته شد.

ص: ۳۱

۱-۱۷. مأخذ شماره ۱۱، ص ۲۸.

۲-۱۸. مأخذ شماره ۱۱، ص ۲۹.

در ساعات ۲۲:۱۰ تاریخ ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴ فرمانده کل سپاه با قرائت رمز عملیات دستور حمله را صادر کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم. لا- حول و لا- قوه الا- بالله العلی العظیم. و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه. یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا.

یگان های نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی آتش طرح ریزی شده و شلیک هزاران گلوله، در محورهای تعیین شده حمله خود را آغاز و مبادرت به شکستن خط دشمن کردند.

با توجه به احتمالاتی که در زمینه هوشیاری دشمن مطرح بود، شکستن خط، پاک سازی و گرفتن سر پل مناسب، نقشی اساسی در تضمین موفقیت عملیات داشت. غواصان می بایستی معابر را باز می کردند تا نیروهای قایق سوار بتوانند از این معابر وارد ساحل دشمن شوند و تا روشنایی صبح منطقه را برای استحکام سر پل پاک سازی کنند.

واکنش قوای دشمن در لحظات اولیه ی عملیات و در رویارویی با موج های گسترده ی نیرو که سراسر خط دشمن را هدف تهاجم قرار داده بودند، از غیر منتظره بودن این حمله حکایت می کرد، چنانکه یکی از فرماندهان یگان های درگیر دشمن در گزارشی به رده بالاتر خود وضعیت اولیه را چنین اعلام می کند:

«دشمن (ایران) مانند سیل با قایق نیرو پیاده و باز می گردد، اگر چاره ای نکنید احتمالاً می روند ام القصر را هم بگیرند، وضعیت ما بسیار بد است.»

دشمن در همان لحظات اولیه شروع عملیات به دلیل گستردگی محورهای هجوم و همچنین اجرای تک پشتیبانی (فریب) در محور ام الرصاص، احساس خطر می کرد. در این میان صدام به منظور

آرام کردن وضعیت و کاستن از هراس نیروهای عراقی، در پاسخ گزارش یاد شده می گوید:

«مقاوم باشید، سه لشکر زرهی می فرستیم و ایرانی ها را شکست می دهیم» (۱).

گسترش وضعیت و تأمین هدف های عملیات در همان شب اول چنان غیر منتظره بود که یگان هایی که برای تأمین هدف های مراحل بعدی عملیات قرار بود در صبح یا شب دوم عملیات وارد عمل شوند، در ساعات ۲۴ وارد منطقه شدند تا به سمت اهداف خود حرکت نمایند.

پس از پاک سازی خط اول، در ادامه کار دو مسئله عمده در پیش روی رزمندگان قرار داشت: دور زدن و محاصره شهر فاو و حضور در محور ساحلی واقع در جناح شمالی.

حضور در دو محور یاد شده، نقش مؤثری در مقابله با پاتک های دشمن و نیز تثبیت و تأمین سر پل اولیه داشت. لذا دو لشکر پر توان و قدرتمند سپاه که مأموریت دستیابی به اهداف فوق را داشتند، برای پاک سازی و الحاق خط اول، تلاش خود را شروع کردند. بدین ترتیب قبل از روشن شدن هوا و پس از در هم شکستن مقاومت های ضعیف قوای دشمن، یگان مأمور تصرف شهر فاو، با حضور دروازه شهر به محاصره ی آن پرداخت.

در شهر فاو نیز یکی دیگر از یگان ها با طی کردن مسافتی طولانی در عمق، ناباورانه خود را به خور عبدالله رساند طوری که این امر به محاصره ی شهر فاو از شمال و جنوب انجامید.

در چند نقطه از محور شمالی شهر فاو دو یگان عمل کننده به دلیل رویارویی با دشمن و همچنین مشکلات عبور از اروند، پیشروی دچار کندی شدند، ولی منتهی الیه محور ساحلی که کلید حفظ منطقه تصرف شده بود، با همت و خیز بلند رزمندگان به تصرف درآمد. همچنین ورود یگان بعدی به منطقه درگیری - که مأموریت تصرف خط کارخانه را به عهده داشت - موجب پیوستگی و تأمین اولین خطر پدافندی گردید.

ص: ۳۳

هنگام طراحی عملیات پیش بینی می شد در صبح اولین روز عملیات، مناطقی که جبهه خودی را تهدید خواهد کرد، عمدتاً محورهای ساحلی و جاده استراتژیک فاو - بصره باشد. بدین ترتیب با حضور در دو محور یاد شده، عملاً اطمینان خاطر لازم حاصل شد.

پاک سازی و الحاق

پاک سازی جنوب شهر فاو و جمع آوری باقی مانده ی نیروهای پراکنده و غیر منسجم دشمن - که در منطقه به صورت سرگردان بودند و گاهی به اقدامات ایدایی دست می زدند - دنبال می شد. با حضور پر قدرت رزمندگان پس از محاصره ی شهر فاو در محور ساحلی و نیز دستیابی به خور عبدالله در جنوب فاو، پاک سازی عناصر باقی مانده دشمن در رأس البیشه - که بعضاً با مقاومت های پراکنده ی خود مشکلاتی را ایجاد می کردند - آغاز شد. رزمندگان ابتدا با هجوم به تیربار دشمن در مقدم رأس البیشه آن را خاموش کردند، سپس نخلستان شمال و جنوب شهر فاو را پاک سازی کردند. در نتیجه این تلاش ها، یگان مأمور به تصرف شهر فاو، پس از رفع موانع موجود و مقابله با مقاومت های پراکنده افراد دشمن، با انهدام مقر تیپ ۱۱۱ ارتش عراق و اسیر کردن فرمانده ی آن شهر فاو را کاملاً پاک سازی کرد. هم زمان با پاک سازی شهر و دیگر نقاط منطقه عملیات، چندین یگان برای ادامه ی عملیات و تأمین اهداف مشخص شده حرکت خود را از مقابل شهر فاو آغاز کردند و قبل از تاریک شدن هوا ضمن انهدام قوای دشمن تا دومین پایگاه موشکی پیشروی کردند. در نتیجه تا پایان روز اول رزمندگان موفق به تصرف شهر فاو، پاک سازی کامل منطقه و حضور در شمال شهر فاو (محور ساحلی) شدند و بدین ترتیب مراحل اول و دوم عملیات اجرا شد و اهداف تعیین شده برای این دو مرحله با موفقیت تأمین گردید.

غفلت و بی تحرکی دشمن در شب و روز اول

به دلیل رعایت اصل غافل گیری و تلاش فراوانی که در مدت چند ماهه ی آماده سازی و شناسایی منطقه فاو برای جلوگیری از هشیاری دشمن انجام گرفت و همچنین اجرای عملیات فریب در محور ام الرصاص و...، در شب و روز اول عملیات، از دشمن اقدام اساسی مشاهده نشد و جز در چند محور از جمله رأس البیشه و مقر تیپ ۱۱۱، قوای دشمن تحرک مهمی نداشتند. همچنین نیروهای مستقر در منطقه دشمن که در حد فاصل یگان های خودی باقی مانده و یا رزمندگان آنها را پشت سر گذاشته بودند، مقاومت های پراکنده ای می کردند و نیروهای باقی مانده در اطراف پایگاه موشکی و در محور ساحلی و یگان های احتیاط دشمن نیز تظاهر به پاتک یا اقدام به ضد حمله های محدود کردند که تأثیر مهمی در پیشروی رزمندگان نداشت.

در روز اول عملیات به دلیل وضعیت آشفته و در هم ریخته ی دشمن و بی خبری بسیاری از نیروهای عراقی از اجرای عملیات و منطقه آن نیروهایی که از مرخصی باز می گشتند و یا واحدهایی که مسئولیت لجستیک و پشتیبانی را عهده دار بودند، بدون اطلاع از حضور رزمندگان اسلام در فاو، وارد منطقه ی عملیاتی می شدند و همین امر تلفات زیادی را به دشمن وارد کرد.

نیروی هوایی عراق نیز در روز اول عملیات فعالیت چشمگیری نداشت و تنها چندین بار عقبه ی نیروهای خودی در شرق اروندرود و نیز ساحل دو طرف رودخانه هدف بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت که تأثیر مهمی در روند عملیات به جا نگذاشت.

نخستین پاتک دشمن در محور ساحلی

محور ساحلی اروندرود که جناح راست قوای خودی را تشکیل می داد، مهم ترین محور عملیات بود که دشمن با درک این اهمیت، همان طور

که پیش بینی می شد پس از ۳۶ ساعت از آغاز عملیات نخستین پاتک خود را در این محور اجرا کرد. ارتش عراق لشکر ۵ خود را به سرعت وارد منطقه نمود. نیروهای این لشکر پس از رسیدن به نزدیکی کارخانه نمک، آرایش گرفته، پاتک خود را به محور ساحلی شروع کردند و در مدت کوتاهی دو هجوم شدید کردند. نبردی سخت در گرفت و در نقاطی به نبرد تن به تن کشیده شد اما رزمندگان با مقاومت جانانه خود دشمن را متوقف کردند. نیروهای خودی پس از آن برای ایجاد خطوط دفاعی مستحکم، با استفاده از وسایل مهندسی (لودر، بلدوزر و...) که تا روز دوم به منطقه عملیات منتقل شده بود، خاک ریزهای کوتاه و محدودی ایجاد کردند.

با توجه به اهمیت محور ساحلی، قوای دشمن در روز بعد هجوم شدیدی را در محور ساحلی آغاز کردند، لیکن سرعت در انتقال و عبور دستگاه های مهندسی و ایجاد خطوط دفاعی مطمئن و کمک سایر یگان ها، تلاش دشمن را ناکام کرد. این محور با همت رزمندگان پس از چند روز نفوذ ناپذیر شد و دشمن نیز از پیشروی در آن ناامید گردید.

شروع تلاش های اساسی دشمن

تا روز سوم عملیات، دشمن تنها با نیروهای لشکر ۵ و باقی مانده ی نیروهای موجود در منطقه، به مقابله با رزمندگان می پرداخت. در این چند روز رژیم عراق تصور می کرد منطقه اصلی عملیات "هور الهویزه" است و درک صحیح و دقیقی از عملیات خودی نداشت. علاوه بر این، از هم پاشیدگی یگان های موجود ارتش عراق در منطقه فاو و نیز اجرای تک پشتیبانی (فریب) در محور "ام الرصاص" - که به دلیل نزدیکی این محور به بصره، از دید فرماندهی دشمن این شهر در معرض تهدید بود - و همچنین با توجه به احتمال بسته شدن عقبه ی یگان هایی که به سمت فاو و رأس البیشه اعزام می شدند، دشمن را سردرگم کرده بود. به هر صورت، دشمن قسمتی از تلاش خود را صرف مقابله با تک خودی در

محورام الرصاص کرد تا اینکه سر انجام پس از سه روز، دریافت که منطقه فاو، منطقه عملیاتی اصلی رزمندگان است و پس از آن بود که به صورت جدی وارد میدان نبرد فاو گردید.

همین تأخیر دشمن در درک منطقه عملیات اصلی، امکان واکنش سریع را از او گرفت و زمینه ی گسترش سر پل و حفظ تحکیم مواضع به دست آمده را برای یگان های خودی فراهم کرد. پس از ناکامی تلاش های اولیه ی ارتش عراق، که عمدتاً با لشکر ۵ انجام شد، قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک ارتش عراق در شهر ناصریه به فرمانده لشکر گارد ریاست جمهوری عراق دستور داد که به سرعت و با تمام امکانات برای سد کردن حمله رزمندگان و باز پس گیری مناطق تصرف شده، تحت امر سپاه هفتم وارد عمل شود. بر این اساس و به دنبال تصمیم گیری عجولانه ی ستاد عملیات جنوب عراق، تیپ های ۳ و ۴ نیروی مخصوص گارد جمهوری وارد عمل شدند. دو تیپ مذکور با آرایش در دو طرف و در امتداد جاده استراتژیک فاو - بصره، به سمت شهر فاو حرکت کردند. قبل از آغاز درگیری، نیروهای خودی به دلیل تسلط دید و تیر بر عقربه های دشمن و آرایش مناسب توپخانه ها، آتش پر حجم و سنگینی را روی نیروهای گارد اجرا کردند که بر اثر آن ۳۰٪ آنها به هلاکت رسیدند.

ضمناً هم زمان به گردان کماندویی تیپ ۱۰ زرهی (از یگان های نیروی مخصوص ارتش عراق) نیز دستور داده شد نیروهای خود را تا سه راهی کارخانه نمک - جاده ی ام القصر گسترش دهد تا از دور خوردن تیپ های ۳ و ۴ لشکر گارد جلوگیری شود.

نیروهای لشکر گارد جمهوری پس از ورود به منطقه، شب را در پناه تانک ها و خاک ریزهای پراکنده، که به عنوان سنگر تانک مورد استفاده قرار گرفت، به سر بردند تا با آغاز روشنایی هوا، حمله اساسی خود را شروع کنند.

گفتنی است که نیروهای خودی در فرصت سه روزه ای که تا استقرار

نیروهای لشکر گارد داشتند، توانستند پایگاه های اول و دوم موشکی دشمن را در شمال شهر فاو تصرف کنند و تا ضلع جنوبی کارخانه نمک پیشروی کنند و پس از آن با گسترش شرقی - غربی به سمت جاده ی استراتژیک ، روی جاده ی شنی تا کنار سه راهی کارخانه نمک، مستقر شوند.

درگیری با لشکر گارد

نیروهای خودی پس از درک موقعیت و نحوه ی گسترش قوای لشکر گارد، حمله ی شبانه ای را از سه محور طراحی کردند:

۱ - جاده ی البحار به سه راهی کارخانه نمک.

۲ - از جاده شنی به پشت دشمن.

۳ - از مقابل، روی جاده ی استراتژیک فاو - بصره و اطراف آن.

براساس این طرح، رزمندگان در تاریکی شب، هنگامی که نیروهای لشکر گارد در حال استراحت بودند آرایش مناسبی گرفتند و با غافل گیری به دشمن یورش بردند و به طور همه جانبه لشکر گارد را هدف تهاجم قرار دادند.

این حمله، که همراه با اجرای انبوه آتش توپخانه، ادوات و سلاح های سبک انجام گرفت، برای قوای دشمن کاملاً غیره منتظره بود لذا عرصه ی نبرد، به گونه ای بر آنها تنگ شده بود که قادر به کوچکترین حرکت نبودند.

صبح روز ۲۴ / ۱۱ / ۶۴، ساعت ۵:۳۰، در حالی که هنوز هوا به طور کامل روشن نشده بود، دشمن برای عقب زدن نیروهای خودی و به منظور پشتیبانی از لشکر گارد، اقدام به حمله شیمیایی کرد، لیکن بمب های شیمیایی در میان دو تیپ از لشکر گارد جمهوری فرود آمد و به ۷۰٪ از این نیروها آسیب رساند. به طوری که بسیاری از آنان بینایی خود را از دست دادند. پس از این واقعه، نیروهای گارد سخت وحشت زده شده، مرتب در خواست کمک می کردند. با تلاش پیگیر فرماندهی لشکر گارد، تیپ ۴۴۳ برای کمک به منطقه درگیری اعزام شد، لیکن در همان آغاز

ورود هدف حمله قوای اسلام قرار گرفت و پس از انهدام یک گردان از آنها، بقیه پا به فرار گذاشتند. گذشته از این، با پیشروی رزمندگان اسلام تا کارخانه نمک و تصرف مقر لشکر ۲۶ ارتش عراق در محوطه کارخانه نمک، فرماندهی سپاه هفتم که وحشت زده شده بود منطقه را ترک کرد. در این بین نیروهایی که در محاصره قرار داشتند، سعی زیادی می کردند که از معرکه بگریزند، لیکن تدبیر مناسب فرماندهان سپاه و نیز آتش پر حجم و قدرتمند توپخانه، امان دشمن را بریده بود. فرماندهی نیروهای محاصره شده، در گزارشی به فرماندهی رده بالاتر، چنین اعلام می کند:

«درگیری بسیار شدید است و نیروها در محل خود مقاومت می کنند! نیروهای مهندسی که قرار بوده امشب سنگرسازی گردان ها را حل نمایند؛ اکثرشان فرار کردند، گردان ها وضع بسیار بدی می گذرانند. ما از تمام جهات و از چهار طرف در محاصره ی دشمن قرار گرفته ایم. احتیاج به یک تیپ زرهی داریم که راه باز شود. لازم است این تدبیر سریع انجام گیرد. به فرماندهی لشکر ۲۶ بگویید یک گردان مکانیزه و توپخانه بفرستد که ما را پشتیبانی کنند. باید از جاده ساحلی (جاده فاو - البحار) نیروی کمکی برای تیپ ۳ و ۴ بفرستید، هر چند گران تمام شود.» (۱).

فرمانده این تیپ در گزارش دیگری نیز چنین می گوید:

«وضعیت ما بسیار بد و سخت می باشد. آتش توپخانه روی ما مؤثر است و تلفات افزون تر می شود. فعلا در مواضع خود مقاومت می کنیم ولی به داد ما برسید.»

پس از بسته شدن راه های کمک و به نیروهای در حال محاصره و ناامیدی فرماندهان دشمن از امکان اعزام نیروی کمکی، فرمانده لشکر گارد به فرماندهان تیپ ۳ و ۴، به عنوان آخرین راه حل، "جنگ و گریز" و فرار را توصیه می کند:

«شما با جنگ و گریز بیایید بیرون، چون خبر محاصره به بغداد رفته است. شما اگر می توانید آبروی لشکرتان را بخرید و بیایید

ص: ۳۹

عقب، ما کاری نمی توانیم بکنیم» (۱).

پس از ابلاغ این دستور، باقی مانده ی نیروهای دشمن با ناامیدی، دست به تکاپو زدند و پس از ساعاتی جنگ و گریز، حدود ساعت ۲ بعد از ظهر، تنها تعداد اندکی از نیروهای لشکر گارد ریاست جمهوری صدام توانستند از مهلکه جان سالم بدر برند و اکثریت این نیروی ویژه به هلاکت رسیدند.

جنگ هوایی

با ورود لشکر گارد به منطقه فاو، از بعد از ظهر روز سوم، عملیات گسترده ی هوایی دشمن آغاز شد. حاکمان بغداد برای جبران عقب ماندگی در "نبرد زمینی" و نیز جلوگیری از پیشروی رزمندگان اسلام، به حملات هوایی پی در پی دست زدند. حملات هوایی دشمن در روز چهارم، گسترده تر شد و شدت یافت و نیروی هوایی عراق با تمام توان وارد عمل شد و علاوه بر بمباران وسیع به بمباران شیمیایی و بمباران پل های جزیره آبادان پرداخت.

در این میان با تلاش یگان های ضد هوایی، در ۸ روز جنگ شدید هوایی، روزانه ۳ تا ۴ هواپیمای دشمن سرنگون شد. پیدایش چنین وضعیتی، رعب زیادی را در خلبانان عراقی ایجاد کرد به گونه ای که وقتی وارد آسمان منطقه می شدند، بعضاً تنها در صدد ریختن بمب ها در بیابان و فرار از تیررس گلوله های سلاح های ضد هوایی و موشک های زمین به هوا بودند. ترس از آتش ضد هوایی چنان افزایش یافته بود که یک بار پس از اصابت موشک خودی به یک هواپیمای دشمن، خلبان هواپیمای دیگر، به تصور اینکه هدف قرار خواهد گرفت، هواپیما را رها کرده، به بیرون پرید.

در مجموع هر چند تهاجمات وسیع هوایی دشمن آسیب هایی به یگان ها و تأسیسات خودی وارد کرد، اما نتوانست خللی در مقاومت نیروهای خودی وارد کند یا تدارک رزمندگان را مسدود نماید؛ به ویژه اینکه تدابیر یگان های مهندسی جهاد سازندگی در زمینه احداث

ص: ۴۰

پل روی بهمنشیر، امیدواری دشمن برای بستن عقبه های خودی را تبدیل به یأس کرد و بدین وسیله گام مهمی در تثبیت منطقه، برداشته شد.

طی پنج روز اول عملیات رزمندگان حملات خود را در محور میانی (جاده استراتژیک)، محور ام القصر و کارخانه نمک، تشدید کردند و توانستند نیمی از کارخانه نمک را تصرف کنند و روی جاده ام القصر نیز خطی موازی کارخانه نمک تشکیل دهند. همچنین در محور میانی، که برای دشمن اهمیت بسیاری داشت، رزمندگان طی چند شب درگیری متوالی، خطوط دشمن را در هم شکستند و در شب هشتم خود را به سه راهی کارخانه نمک رساندند و با احداث چند رده خاک ریز بلند و آرایش مناسب ضد زره در پشت آن مستقر شدند.

از روز هشتم به بعد و پس از اینکه قوای خودی خط پدافندی مناسبی تشکیل دادند، دشمن که خود را به طور کامل باز یافته بود، پاتک های خود را مجدداً آغاز کرد. نیروهای دشمن ابتدا از جاده فاو - البحار وارد عمل شدند که با مقاومت و مقابله ی نیروهای خودی، منهدم شدند و عقب نشینی کردند. سپس در جاده استراتژیک، فشار حملات خود را روی سه راهی کارخانه نمک متمرکز کردند، لیکن بر اثر اجرای آتش شدید خمپاره و توپخانه، تلفات زیادی را متحمل شدند و با به جا گذاشتن کشته ها و مجروحان بسیار، عقب برگشتند.

گفتنی است که در جریان حملات دشمن در محورهای ساحلی و میانی، آتش توپخانه خودی نقش ویژه ای در انهدام و عقب زدن نیروهای دشمن داشت. شدت آتش خودی روی دشمن، به حدی بود که تاب و توان مقاومت را از آنها سلب کرده بود و نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ کمتر با چنین آتشی مواجه شده بودند، روحیه خود را باخته بودند.

در روز یازدهم عملیات برای تکمیل خط پدافندی و تثبیت آن، در جلو محور ساحلی و محور میانی، آب انداخته شد و بدین وسیله، دشمن از تلاش مجدد در این محورها بازماند.

تغییر تاکتیک دشمن

مقابله سرسختانه رزمندگان در محور ساحلی و محور میانی (جاده استراتژیک)، امکان پیشروی را به نیروهای دشمن نداد و تلفات بسیار سنگینی به آنها تحمیل کرد به گونه ای که این وضعیت به تغییر تاکتیک دشمن در "رزم" و "محور عملیات" انجامید. ارتش عراق در تدبیر جدید خود محور کارخانه نمک و محور ام القصر را برای حمله برگزید و نیروی پیاده را جایگزین نیروی زرهی کرد.

اولین تلاش دشمن در محور ام القصر با درایت و مقاومت رزمندگان در هم شکسته شد. تهاجم بعدی عراقی ها به داخل کارخانه نمک صورت گرفت که به دلیل عدم حضور جدی نیروهای خودی، یکی از مربعی های داخل کارخانه به تصرف دشمن در آمد که بلافاصله با تقویت این محور تلفاتی بر دشمن وارد شد و حرکت آنها متوقف گردید. دشمن در این محور برای هر ۴۰۰ متر یک تیپ قرار داده بود و در هر حمله از چند تیپ استفاده می کرد، که هر کدام پس از آسیب دیدن و تحمل تلفات عقب نشینی می کردند.

در مقابله با پاتک های دشمن در محور ام القصر و محدوده ی کارخانه نمک، جنگنده های نیروی هوایی و هلی کوپترهای هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری ایفا کردند. و با بمباران عقبه های دشمن در دو محور جاده دوم و جاده سوم و شکار تانک های آنان، تلفات سنگینی را به دشمن تحمیل کردند.

آخرین تلاش های دشمن

تا نیمه اسفند ۱۳۶۴ ارتش عراق تلاش های پی در پی و پاتک های مداوم خود را در محورهای مختلف منطقه عملیات به آزمایش گذاشت، لیکن جز نفوذ در یکی از مربعی های کارخانه نمک موفقیت دیگری به دست نیاورد که مربعی هم در عملیاتی پس گرفته شد. از این پس دشمن تقریباً ناامید شد و به مرور از فشارهای سنگین خود کاست و

تلاش های خود را سه محور خلاصه کرد:

۱ - ادامه پاتک در محور کارخانه نمک و جاده ام القصر.

۲ - گسترش عقبه ها و احداث جاده و مواضع جدید توپخانه، ایجاد استحکامات و دیگر فعالیت های مهندسی.

۳ - طراحی استراتژی دفاع متحرک.

در این دوره نیروهای خودی با اجرای آتش توپخانه و ادوات و فعالیت های تبلیغاتی نقشی بازدارنده، مضمحل کننده و فرساینده روی نیروهای عراقی ایفا می کردند. رژیم عراق نیز برای حل بحران های ناشی از فتح فاو و ضایعات وارد شده به ارتش عراق مکرراً تبلیغ می کرد که به زودی فاو را پس خواهد گرفت. با نزدیک شدن هفتم نisan (سالروز تولد صدام و تشکیل حزب بعث) که برابر ۱۷ فروردین ۱۳۶۵ بود، تبلیغات دشمن جدی تر شد و این روز را موعد باز پس گیری فاو اعلام کرد.

سرانجام، سیزده روز قبل از هفتم نisan، در بامداد ۴ / ۱ / ۶۵ نیروهای دشمن تهاجم خود را از دو محور آغاز کردند، اما در هر دو محور شکست خوردند و تحرکات بعدی آنها نیز عقیم ماند. به رغم تبلیغات گسترده رژیم عراق، در هفتم نisan نیز تحرکی از دشمن مشاهده نشد.

پس از چند روز ارتش عراق حمله گسترده ای را در دو محور آغاز کرد که با ایستادگی رزمندگان، این حمله عراق نیز به شکست انجامید و از مهاجمان در یک محور حدود ۴۰۰۰ کشته یا زخمی به جای ماند و در محور دیگر نیز بسیاری از عراقی ها در میان باتلاق ها و میدان های مین کشته و تعدادی اسیر شدند. این آخرین حمله عراق در منطقه عملیاتی والفجر ۸ بود و پس از آن اقدامات مهندسی ارتش عراق برای استحکام و تثبیت خطوط پدافندی افزایش یافت.

آخرین عملیات رزمندگان و تثبیت خط دفاعی

با توجه به اهمیت منطقه فاو برای دشمن و تلاش های پیگرد و فشارهای پی در پی ارتش عراق برای پس گرفتن این منطقه، ناامید کردن

عراق امری ضروری بود. لذا دو طرح اساسی در دستور کار قرار گرفت:

۱ - تثبیت منطقه با اقدامات مهندسی، ایجاد مواضع استحکامات، احداث کانال و پل.

۲ - ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه های دشمن در کارخانه نمک، جاده شنی و...

با تلاش طاقت فرسای واحدهای مهندسی جهاد سازندگی و یگان های مهندسی سپاه کانالی سراسری از اروندرود تا خور عبدالله احداث گردید و با پمپاژ آب از اروندرود در آن و همچنین احداث دژ و خاک ریزهای متعدد و دیگر استحکامات، خط پدافندی مطمئنی ایجاد گردید.

از سوی دیگر، رزمندگان با اجرای عملیاتی در تاریخ ۸ / ۲ / ۶۵ رخنه های موجود را پاک سازی و خط پدافندی را ترمیم کردند که در جریان آن ۶ تیپ ارتش عراق حدود ۸۰ درصد منهدم شدند. این آخرین حمله ی خودی در این منطقه و آخرین روز درگیری جنگ ۷۸ روزه در منطقه فاو بود.

نتایج عملیات

در عملیات والفجر ۸، دو هدف تأثیر گذار در موازنه جنگ، یعنی تصرف منطقه ای استراتژیک و انهدام قوای دشمن، در حد بالایی به نفع جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت. این عملیات آثار و نتایج مهمی در پی داشت زیرا برای نخستین بار پس از فتح خرمشهر، منطقه مورد تهاجم در یک عملیات بزرگ، پس از تصرف تثبیت شده بود. این موضوع به منزله ناتوانی دفاعی عراق و متقابلاً توانمندی نیروهای خودی برای تهاجم و پدافندی ارزیابی می شد.

توانایی و قابلیت سپاه در طراحی و اجرای عملیاتی گسترده در این ابعاد به صورت مستقل، شگفت انگیز بود و برای بسیاری از کارشناسان باور کردنی نبود. در واقع با فتح فاو و ظهور توانایی سپاه در طرح ریزی، فرماندهی، اجرا و پشتیبانی و پدافند فعال به مدت ۷۸ روز، حیات

جدید سپاه آغاز شد. همچنین قدرت فرماندهی سپاه برای کنترل هوایی و هوانیروز در این عملیات آشکار شد. ضمن اینکه اعتماد به نفس برای کسب پیروزی که پیش از این مورد تردید قرار گرفته بود، مجدداً حاصل شد.

نتایج حاصل از فتح فاو به تثبیت قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر انجامید. با تکیه بر این منطقه تصرف شده امکان ادامه ی جنگ و بعدها رویاروی با امریکا در خلیج فارس نیز فراهم شد.

در مجموع عملیات والفجر ۸ در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نتایج گسترده ای داشت که به طور خلاصه چنین است:

۱ - آزاد سازی و تصرف ۹۴۰ کیلومتر مربع شامل: سرزمین خودی در اروندرود: ۳۰ کیلومتر مربع، ساحل خلیج فارس در خور عبدالله: ۶۰ کیلومتر مربع، منطقه آبی آزاد شده و تصرف شد در خلیج فارس: ۶۰۰ کیلومتر مربع، خشکی تصرف شده از دشمن ۲۵۰ کیلومتر مربع.

۲ - آزاد سازی شهر فاو و روستاهای حومه آن و تصرف تأسیسات نفتی و پتروشیمی و اسکله های بارگیری آن.

۳ - قطع ارتباط عراق با آب های آزاد جهان.

۴ - تصرف سه پایگاه موشکی زمین به دریا و پایگاه نیروی دریایی عراق در قشله.

۵ - تسلط بر خور عبدالله و تصرف قسمت متعلق به عراق و آزاد شدن تردد در اروندرود از شمال خور معامر تا دهانه فاو.

۶ - امنیت در شمال خلیج فارس و امکان تردد کشتی ها به بندر امام خمینی.

۷ - نزدیک شدن به شهر بندری ام القصر و تهدید آن.

۸ - محاصره اسکله های البکر و العمیه.

۹ - هم مرز شدن با کویت.

علاوه بر این در این عملیات، بیش از ۵۰۰۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته یا زخمی شدند که در میان آنها یک فرمانده لشکر، پنج فرمانده

تیپ، شمار زیادی افسر ارشد و جزء مشاهده می شدند. همچنین، ۲۱۰۵ تن از افراد دشمن اسیر شدند که در میان آنها چندین سرهنگ ستاد، سرهنگ دوم، سرگرد، افسر جزء خلبان هواپیما و هلی کوپتر و درجه دار وجود داشتند.

از تجهیزات دشمن مقداری به شرح زیر منهدم یا به غنیمت گرفته شد (۱).

خسارات دشمن در عملیات والفجر ۸

انهدامی: ۳۹ هواپیما، غنیمتی: -

انهدامی: ۵ هلی کوپتر، غنیمتی: -

انهدامی: ۳۰۰ تانک، غنیمتی: ۵۰ تانک

انهدامی: ۲۴۰ نفربر زرهی، غنیمتی: ۴۵ نفربر

انهدامی: ۵ دستگاه مهندسی، غنیمتی: ۳۰ دستگاه مهندسی

انهدامی: ۲۵۰ خودرو، غنیمتی: ۱۸۰ خودرو

انهدامی: ۱۵۰ توپ صحرایی، غنیمتی: ۲۰ توپ صحرایی

انهدامی: ۵۵ توپ ضد هوایی، غنیمتی: ۱۲۰ توپ ضد هوایی

انهدامی: ۲ ناوچه موشک انداز، غنیمتی: ۳ رادار موشکی

در ضمن، مقدار زیادی وسایل مخابراتی، سلاح های سبک و رادارهای مختلف در میان وسایل انهدامی دشمن و غنائم به دست آمده وجود داشت.

در این عملیات، یگان های ارتش عراق بیش از عملیات های دیگر

ص: ۴۶

۱ - ۲۲. از تلفات و خسارات دشمن آمار دقیقی در دست است که با توجه به دوره ی طولانی ۷۸ روزه ی عملیات و گستردگی منطقه عملیات امری طبیعی است. برخی آمارها مربوط به کل این دوره و برخی نیز نتایج عملیات در بخشی از این دوره است. آمار ارائه شده در اینجا نتایج کل دوره است که از اطلاعات موجود جمع بندی شده است. گفتنی است که به دست آوردن آمار کاملاً دقیق، به ویژه در عملیات های گسترده میسر نیست.

متحمل خسارت و آسیب شدند. در مجموع، ۱۰ تیپ پیاده، کماندویی و نیروی مخصوص، ۲ تیپ زرهی، ۴ گردان ضد هوایی، ۱۰ گردان جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن به طور ۱۰۰ درصد منهدم شدند. علاوه بر این، ۳۳ تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص و ۸ تیپ زرهی و مکانیزه ی عراق نیز بیش از ۶۰ درصد منهدم شدند که برای بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی خارج گردیدند. همچنین نزدیک به ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن ۳۰ درصد آسیب دیدند که دشمن به دلیل کمبود نیرو آنها را در منطقه ی عملیاتی نگه داشت تا پس از تجدید سازمان یگان های آسیب و جایگزینی آنها، این نیروها نیز به عقب منتقل شوند.

مهم ترین ویژگی های عملیات والفجر ۸

غافلگیری و فریب

فرماندهان سپاه که بیش از این ارتش عراق را در هور الهویزه (عملیات خیبر) غافل گیر کرده بودند، در زمان آماده سازی و اجرای عملیات والفجر ۸ نیز با تدابیر دقیق تر و پیچیدگی بیشتر و بهره گیری از عامل فریب، موفق شدند نظر عراق را متوجه منطقه هور نمایند. غافل گیری دشمن در عملیات والفجر ۸ به حدی بود که تا دو روز پس از عملیات، ارتش عراق تصور نمی کرد حمله بزرگ سال ۱۳۶۴ ایران در منطقه فاو است.

موقعیت زمین

تجربه عملیات های گذشته نشان داده بود که به دلیل ضعف قوای زرهی و ضدزره جمهوری اسلامی، در مقابل استفاده ارتش عراق از آتش انبوه توپخانه و تانک، حتی الامکان باید مناطقی برای عملیات انتخاب شود که بتوان در جناح های محدودتری با ماشین جنگی عراق روبه رو شد یا در جایی که به اصطلاح پیشانی جنگی محدود باشد. انتخاب منطقه فاو

به طور استثنا این مزیت را داشت؛ زیرا خور عبدالله، اروندرود و خلیج فارس در غرب، شرق و جنوب این منطقه عملیاتی موجب می شد دشمن تنها از یک جناح بتواند به خط دفاعی رزمندگان حمله کند.

آتش

از ابتدای جنگ تحمیلی، در هیچ یک از عملیات های انجام شده آتش مناسب در اختیار و در پشتیبانی رزمندگان اسلام قرار نگرفت و در مقابل، عراق به طور گسترده و به عنوان عاملی باز دارنده و قوی برای رویارویی با حملات ایران، از آن سود می جست. در عملیات والفجر ۸ با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی منطقه، تمهیدات لازم برای به کار گیری آتش پیش بینی شد. در زمان اجرای عملیات همین ویژگی موقعیت منطقه عملیاتی سبب شد که از آتش ادوات و توپخانه به طور مؤثر استفاده شود. گفتنی است که علاوه بر تلاش همه جانبه یگان های توپخانه سپاه پاسداران، بخشی از توپخانه نیروی زمینی ارتش نیز رزمندگان را پشتیبانی می کرد.

دفاع ضد هوایی

در عملیات والفجر ۸ توان موشکی و پوشش هوایی مناسب منطقه عملیاتی، فعالیت نیروی هوایی عراق را بسیار محدود کرد. مهم تر از آن، این بود که با به کار گیری تاکتیک جدید برای فریب هواپیماهای عراق به منظور جلوگیری از حمله به سایت های موشکی، سایت موشکی هاوک (هاگ) با توان مناسبی مورد استفاده قرار گرفت و توپ های ضد هوایی نیز به طور انبوه به کار گرفته شد به همین دلیل، آمار انهدام هواپیماهای دشمن در عملیات والفجر ۸، در طول جنگ بی سابقه بود. در این عملیات حدود ۴۵ هواپیمای عراقی سرنگون شدند و گمان می رود تعداد دیگری نیز آسیب دیدند که توانستند خود را به داخل عراق برسانند.

این عامل را باید اصلی ترین و مهم ترین ویژگی عملیات والفجر ۸ دانست.

در واقع، عبور از اروند با عرض و عمق زیاد و شتاب بسیار جریان آب این رودخانه که به گفته برخی کارشناسان، تا حدود ۷۰ کیلومتر در ساعت هم می رسید، کار بسیار پیچیده و خطیری بود که می بایست با محاسبه دقیق و آگاهی از جوانب امر انجام می گرفت، در غیر این صورت علاوه بر این که موفقیت عملیات ممکن نبود، تعداد بسیاری از غواصان نیز شهید می شدند.

عبور غواصان از اروندرود تا حدی مخاطره انگیز بود که برخی فرماندهان نظامی کلاسیک، عملیات عبور از این رودخانه را ناممکن می دانستند و کمترین موفقیتی برای آن قائل نبودند. اما دقت نظر فرماندهان سپاه در دست یابی به اطلاعات لازم، آموزش های خاص برای عبور از اروند، انتخاب حساب شده غواصان، انتخاب مناسب ترین نقاط برای عبور با توجه به عرض رودخانه و توجه کافی به حالت های مختلف جزر و مد آب و عوامل دیگر، موجب شد شکل جدیدی از عملیات نظامی که در نوع خود در تاریخ نظامی جنگ های معاصر بی سابقه بود، انجام شود و نیروهای خودی با اقتدار کامل ضمن عبور از اروند و شکستن خط، منطقه را تصرف کنند. ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه سوم ارتش عراق، در این باره گفت:

«ایران در عملیات جاری خود روش های نظامی نوینی را به کار برده است و بر خلاف توقع، در شرایط جوی سختی که باران های شدید می بارید، با استفاده از مردان قورباغه ای و پیش قراولان رزمی، حمله خود را به مواضع ما آغاز کرد.» (۱).

رادیو امریکا نیز گفت:

«تحلیل گران نظامی غرب معتقدند که ایران برای عبور از شط العرب نیاز به تجهیزات کافی داشته است و آنها از این موضوع متعجب اند که چگونه با تجهیزات اندک توانسته اند از این آب راه عبور کرده و به مواضع عراقی ها دست یابند؟» (۲).

ص: ۴۹

۱- ۲۳. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، فصلنامه بررسی های نظامی، "توصیف عملیات والفجر ۸"، سال چهارم،

شماره ۱۹، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۷۶.

۲- ۲۴. مأخذ شماره ۳، ص ۲۱۴.

در این عملیات تنها نیروهای رزمی عمل کننده، یگان های سپاه پاسداران بودند، لذا ترکیب همگون نیروها و فرماندهی واحد، امکان برنامه ریزی و ضمانت اجرای تصمیمات را به راحتی میسر می کرد؛ این موضوع یکی از ویژگی های مهم عملیات به شمار می رفت.

افزون بر این، حضور چشم گیر دولت و امکانات کشور نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر افزایش توان رزمی بود. لزوم عملیات موفق و نیاز به امکانات بیشتر در این زمینه و فتح فاو به منظور پایان دادن به جنگ که در راستای استراتژی رسمی کشور قرار داشت. همگرایی سپاه و دولت و نیز احساس خطر مسئولان کشور در مورد اوضاع جنگ، از جمله عواملی بود که موجب حضور بیشتر دولت در جنگ شد.

ارتباط نزدیک سپاه با هیئت دولت و اطلاع دقیق نخست وزیر از موقعیت و مسائل جنگ، خریدهای تسلیحاتی از سوریه، حضور وزیران راه و ترابری، جهاد سازندگی و تا حدودی وزیران صنایع سنگین و معاون جنگ نخست وزیر در جبهه برای حل مشکلات جنگ و رفع نیازهای میدان نبرد، فعالیت استانداری های سراسر کشور برای تأمین نیازهای مهندسی جنگ و سایر فعالیت ها از جمله تلاش هایی بودند که دخالت فعال تر دولت در صحنه جنگ را نشان می داد.

علل موفقیت عملیات والفجر ۸

هنگام طراحی عملیات والفجر ۸ و نیز هم زمان با اجرای عملیات و در تلاش های پس از آن، واقعیاتی رخ داد که به تدریج نقش اساسی خود را در پیروزی های والفجر ۸ و نیز ضرورت های مورد نظر جهت ادامه جنگ نشان داد. در مجموع عوامل متعددی این موفقیت بزرگ را موجب شد که برخی مستقیم و برخی غیر مستقیم در آن مؤثر بودند. پاره ای از این عوامل چنین است:

۱ - غافل گیر شدن دشمن و عدم آمادگی ارتش عراق.

- ۲ - رعایت اصول حفاظتی در تردها، جابه جایی یگان ها، کنترل تردد عناصر مشکوک و ستون پنجم.
- ۳ - رعایت اصول حفاظتی در شناسایی ها آموزش ها و ...
- ۴ - ضعف اطلاعاتی دشمن.
- ۵ - اجرای عملیات پشتیبانی (فریب) از ام الرصاص، شلمچه و ...
- ۶ - اجرای فعالیت های فریب از جمله تلاش های آماده سازی و مهندسی پر حجم در منطقه هور.
- ۷ - اتخاذ تاکتیک های ویژه، خصوصا هنگام عبور از رودخانه اروند.
- ۸ - تدبیر بی سابقه فرماندهی در به کارگیری یگان ها نسبت به توان رزمی آنها در زمان و مکان مناسب.
- ۹ - وحدت نظر در فرماندهی، طراحی عملیات و اجرای آن.
- ۱۰ - سرعت عمل رزمندگان در تصرف قرارگاه های فرماندهی و اختلال در مرکز فرماندهی و هدایت دشمن.
- ۱۱ - موقعیت زمین منطقه که امکان مانور مناسب را از دشمن سلب می کرد.
- ۱۲ - امکان استفاده مناسب از آتش.
- ۱۳ - سیستم نسبتا مناسب پدافند هوایی.
- ۱۴ - وسعت نسبتا مناسب منطقه عملیاتی. (۱).
- ۱۵ - پشتیبانی بیشتر دولت و مردم نسبت به گذشته در فراهم آمدن نیرو و امکانات.
- ۱۶ - عزم و اراده ی قوی، تقوا و اخلاص نیروهای عمل کننده.
- ۱۷ - اقدامات گسترده و مناسب مهندسی قبل از عملیات و به خصوص در حین اجرای عملیات.
- ۱۸ - آماده سازی عقبه های مطمئن برای پشتیبانی، مهمات رسانی و تدارکات.

ص: ۵۱

۱- ۲۵. به رغم این که دشمن در منطقه والفجر ۸ محدودیت هایی برای مانور زرهی و پاتک داشت، لیکن وسعت منطقه با توجه به حجم گسترده نیروهای خودی - مشکل خاصی را در مقابل تک های هوایی دشمن و یا اجرای آتش سنگین آنها و

نیز تهاجم به دشمن ایجاد نمی کرد.

۱۹ - آماده سازی راه های وصولی مناسب به خطوط پدافندی و سرعت دادن به تحرک یگان ها در منطقه عملیاتی.

۲۰ - آموزش و سازماندهی مناسب نیروها.

۲۱ - اقدامات پیشگیرانه در مقابل تک های شیمیایی دشمن.

۲۲ - استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز.

۲۳ - به کارگیری مناسب سلاح های ضد زره.

۲۴ - استفاده مناسب و دقیق از اطلاعات دریافتی از واحدهای شنود.

نقاط قوت و ضعف دشمن

نقاط قوت دشمن

۱ - برتری در تجهیزات هوایی و عملیات هوایی.

۲ - استفاده وسیع از سلاح های شیمیایی در عملیات ها.

۳ - تأمین ارتباط بی سیم و با سیم مطمئن در قبل از عملیات و استفاده از سیم کدر (رمز کننده).

۴ - برتری نیروی زرهی.

۵ - برتری در حجم آتش توپخانه و امکانات دیده بانی و هدایت آتش.

۶ - برتری در سرعت جابه جایی نیروها و به کارگیری آن در تک های محلی و اصلی. ۷ - برتری در تجهیزات پیشرفته نظامی از جنبه کمی و کیفی.

نقاط ضعف دشمن

۱ - عدم آمادگی برای هدایت و اجرای آتش توپخانه در منطقه عملیاتی.

۲ - غافل گیر شدن دشمن از منطقه عملیاتی و تک اصلی ایران.

۳ - نداشتن آمادگی برای مقابله با عملیات هوایی رزمندگان.

۴ - اختلال در سیستم هدایت و فرماندهی نیروهای پاتک کننده و سردرگمی این نیروها در زمین ناشناخته.

۵ - از دست دادن روحیه جنگ جویی و مقاومت نکردن در برابر رزمندگان اسلام.

۶ - محدود شدن نیرو و امکانات دشمن در منطقه کم عرض (در منطقه عملیاتی) و آسیب پذیر بودن آنها از آتش مؤثر نیروهای خودی و تحمل تلفات بسیار.

۷ - نبودن زمین مناسب برای میدان مانور تانک ها و جابه جایی وسایل مکانیزه. ۸ - نداشتن راه های وصولی متعدد به خطوط پدافندی و متکی بودن دشمن به دو راه موازی و در برد توپخانه خودی.

۹ - شتاب در تصمیم گیری در به کارگیری نیروهای پاتک کننده مانند گارد جمهوری. (۱).

ص: ۵۳

۱-۲۶. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۶۴ / ۱۲۳۹۷.

واکنش در برابر پیروزی ایران

پیروزی جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو، موازنه‌ی نظامی - سیاسی جنگ را به میزان بسیاری به نفع ایران تغییر داد و روند جنگ را پیچیده تر کرد. این اقدام ایران، بازتاب گسترده‌ای در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای داشت. دولت عراق نیز واکنش تندتری در ابعاد مختلف جنگ از خود نشان داد. ایالات متحده آمریکا، این پیروزی را که به استقرار نیروهای ایرانی در کنار مرزهای کویت انجامیده بود، تهدیدی عمده برای منافع خود قلمداد کرد

و در سطح منطقه دست به تحرکات گسترده دیپلماتیک زد. جرج بوش، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به کشورهای عربستان، بحرین، عمان، یمن شمالی سفر کرد و با مقامات این کشورها دیدار کرد. ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه آمریکا نیز با طارق عزیز، وزیر امور خارجه‌ی عراق ملاقات کرد. مهم‌ترین محور گفت و گو در این دیدارها، موضوع جنگ ایران و عراق بود. همچنین، امریکایی‌ها اعلام کردند در صورت به خطر افتادن تردد کشتی‌ها در خلیج فارس، وارد عمل می‌شوند، و با همین دستاویز چهار قایق خود را به بهانه‌ی تضمین امنیت کویت، گشت زنی و محافظت از سواحل کویت، وارد شمال خلیج فارس کردند. (۱).

علاوه بر این، آمریکا درصدد برآمد تا با هماهنگی شوروی خط مشی جدیدی را در برابر جنگ ایران و عراق اتخاذ کند. شولتز، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد:

«میان دو ابر قدرت برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، ابتکار تازه‌ای در جریان است.» (۲).

وی همچنین گفت:

«در این مذاکرات (در استکهلم) واشنگتن و مسکو به این توافق رسیدند که پایان یافتن جنگ به نفع آمریکا و شوروی است.» (۳).

اقدام دیگر مقامات امریکایی، تلاش برای تصویب قطع‌نامه جدیدی

ص: ۵۴

۱- ۲۷. خبر گذاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۲۸. خبر گذاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۵.

۳- ۲۹. خبر گذاری جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۵.

علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل و همچنین تلاش برای کاهش قیمت نفت بود. آنها همچنین به کمک رسانه های غربی با متهم کردن ایران به تروریسم و جو سازی درباره ی خریدهای تسلیحاتی، موج جدیدی را علیه ایران به راه انداختند. رادیو امریکا در این باره، به نقل از نشریه واشنگتن تایمز اعلام کرد:

«ایران ۷۷ موشک زمین به زمین و ۶۰ موشک زمین به هوا که قادر هستند هواپیماهای میگ - ۲۳ و میراژ اف - ۱ را سرنگون کنند، از سوریه و کره شمالی تحویل گرفته است.» (۱).

نشریه انگلیسی آبزورر نیز نوشت:

«ایران به تازگی از انبارهای اروپایی ده هزار موشک ضد تانک ناو ساخت امریکا را به بهای هر فروند شانزده هزار دلار خریداری کرده است.» (۲).

انستیتو مطالعات استراتژیک لندن اعلام کرد:

«چین در ماه مارس ۱۹۸۵ میلادی با فروش معادل ۱ / ۶ میلیارد دلار تسلیحات از جمله ۱۴ فروند جت شناسایی جی - ۲۰۰ - ۶۰ دستگاه تانک تی - ۵۹، سلاح ضد تانک، موشک انداز و موشک های زمین به هوا به ایران، موافقت کرده است.» (۳).

اتحاد جماهیر شوروی (سابق) نیز پس از عملیات والفجر ۸ به موضع گیری در برابر جنگ پرداخت. از نظر گرومیکو "موضع گیری شوروی در جنگ قابل تغییر نیست؛ چه وقتی که در عراق وارد (خاک) ایران شد و چه حالا- که ایران وارد (خاک) عراق شده است. " مقامات شوروی، جنگ را بی معنی و غیر ضروری خواندند و تأکید کردند که جنگ باید هرچه زودتر قطع شود. (۴).

به علاوه، شوارز نادزه، وزیر خارجه شوروی و همچنین معاون وزیر خارجه این کشور با مقامات عراقی دیدار و گفت و گو کردند. مقامات رسمی شوروی در واکنشی جانبدارانه از عراق، گفتند که مسکو از پیشنهادهای صلح صدام برای پایان جنگ پشتیبانی می کند. (۵).

دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای امریکا و شوروی خواست که

ص: ۵۵

۱- ۳۰. خبر گزارى جمهورى اسلامى، ۱۲ / ۷ / ۱۳۶۵.

۲- ۳۱. خبر گزارى جمهورى اسلامى، ۶ / ۲ / ۱۳۶۵.

۳- ۳۲. خبر گزارى جمهورى اسلامى، ۲ / ۳ / ۱۳۶۴.

۴- ۳۳. خبر گزارى جمهورى اسلامى، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۵.

۵- ۳۴. خبر گزارى جمهورى اسلامى، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

از نفوذ خود استفاده کرده و جنگ را پایان دهند. رئیس شورای امنیت نیز با تصریح این مطلب که ایران این جنگ را علیه عراق ادامه داده است، همین درخواست را عنوان کرد.

در حالی که موفقیت ایران در عملیات والفجر ۸ روبه تثبیت پیش می رفت شورای امنیت قطع نامه جدیدی را در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۳۶۴ / ۱۲ / ۵ (۱۹۸۶) به شماره ۵۸۲، درباره ی جنگ به تصویب رساند. در بند ۳ این قطع نامه آمده است:

«دبیر کل از ایران و عراق بخواهد دو کشور بی درنگ در زمین، دریا و هوا آتش بس را رعایت کرده و بلافاصله تمام نیروهای خود را تا مرزهای بین المللی شناخته شده به عقب بکشند.» (۱).

این قطع نامه در حالی به تصویب رسید که در قطع نامه های قبلی این شورا، در برابر حملات زمینی، دریایی و هوایی عراق تنها به اظهار تأسف، آن هم بدون ذکر نام عراق، اکتفا شده بود. قطع نامه ی ۵۸۲ بلادرنگ مورد موافقت عراق قرار گرفت، اما وزارت خارجه ی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این مصوبه، در ۱۷ اسفند ۱۳۶۴ طی بیانیه ای اعلام کرد:

«عدم موضع گیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آن است که شورا هنوز اراده ی سیاسی لازم را در این زمینه ندارد. بر این اساس، آن قسمت از قطع نامه که به کل موضوع جنگ و خاتمه ی مناقشات مربوط می شود، ناقص و بی اعتبار و غیر قابل اجرا است ... اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است.» (۲).

کشورها و سازمان های عربی نیز نگرانی خود را از پیروزی ایران آشکار کردند. عربستان سعودی در اقدامی جانبدارانه از عراق، به ترکیه پیشنهاد داد در صورتی که این کشور روابط تجاری خود را با ایران قطع کند، ضرر و زیان مالی آن را به عهده می گیرد.

همچنین شاه اردن به میانجی گری میان عراق و سوریه برای آشتی

ص: ۵۶

۱- ۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۶ / ۱۳۶۵.

۲- ۳۶. روزنامه اطلاعات، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

دادن دو کشور پرداخت و شورای همکاری خلیج فارس نیز در ۱۳ اسفند ۱۳۶۴ تشکیل جلسه داد و علیه ایران موضع گیری کرد.

مهم ترین واکنش غرب و متحدان منطقه ای عراق در برابر این عملیات، کاهش قیمت نفت بود که با هدف کاستن از توان اقتصادی و در آمد ارزی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. این کاهش تا مرز بشکه ای دلار ادامه یافت.

عربستان و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با افزایش تولید و اشباع بازار نفت، نقش بسزایی در ایجاد این وضعیت داشتند.

عربستان این اقدام خود را با عنوان "استراتژی سهم بازار" توجیه می کرد و با این عمل یک تا دو سال قیمت نفت را پایین نگه داشت. (۱).

از دست دادن فاو، چنان فشار مضاعفی را در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی بر رژیم به اقدامات وسیع سیاسی - نظامی دست زد. مهم ترین اقدام عراق حمله به هواپیمای مسافربری ایران بود که حامل چند تن از نمایندگان مجلس و شخصیت های سیاسی از جمله آیت الله محلاتی، نماینده امام خمینی در سپاه بود. همچنین، حمله به قطار مسافربری در ایستگاه هفت تپه خوزستان، حمله به مراکز اقتصادی و صنعتی با تأکید بر منابع (پایانه خارک، پالایشگاه ها و...) و نیز اجرای عملیات های محدود تهاجمی موسوم به استراتژی "دفاع متحرک" از دیگر تلاش های عراق در این زمینه به شمار می روند.

پیدایش وضعیت جدید می توانست موجب تغییرات اساسی در جنگ و عملیات نظامی و بالطبع ایجاد دگرگونی هایی در منطقه ی خاورمیانه گردد؛ از این رو بازتاب پیروزی ایران در فاو، در مقایسه با مقاطع پیشین جنگ، تنها با اوضاع پس از فتح خرمشهر قابل مقایسه است.

ص: ۵۷

نحوه‌ی برخورد رسانه‌های غربی با پیروزی‌های رزمندگان اسلام همواره یک روند ثابت و منظم داشت. این رسانه‌ها با نزدیک شدن زمان عملیات گسترده سالانه ایران که معمولاً در زمستان هر سال انجام می‌گرفت اخبار و تحلیل‌های خود را درباره‌ی منطقه عملیات آینده ارائه می‌دادند و سعی می‌کردند از این طریق ضمن هوشیار نمودن دشمن، تصمیم‌گیرندگان نظامی و سیاسی ایران را دچار تزلزل و تردید نمایند. با آغاز عملیات و کسب موفقیت‌های اولیه، فعالیت این رسانه‌ها بر ضعیف و کم‌اهمیت جلوه دادن پیروزی‌های ایران معطوف می‌شد. در نبرد فاو، تا یک هفته پس از شروع عملیات، فرماندهان نظامی عراق و نیز کارشناسان و ناظران سیاسی - نظامی غرب درباره‌ی توانایی ایران در حفظ و تثبیت منطقه تصرف شده ابراز تردید می‌کردند. چنان‌که روزنامه‌ی تایمز لندن نوشت:

«آنها قبلاً- نیز به پیروزی‌های کوتاه مدتی دست یافته‌اند، لیکن تاکنون ثابت شده که توانایی حفظ آن و اجرای عملیات طولانی با تمام ویژگی‌های لجستیکی را که لازمه آن است، ندارند» (۱).

رادیو آمریکا نیز در تاریخ ۲۵ / ۱۱ / ۶۴ نظریه فوق را به نقل از خبرنگار صدای آمریکا به گونه‌ای دیگر مطرح کرد:

«حملات تهاجمی ایران نشان می‌دهد که ایران در هیچ یک از پیکارهای گذشته اش پیروزی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاورده است.» (۲).

در این باره سفیر عراق در ژاپن در مصاحبه با روزنامه یومیوری گفت:

«این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و در هم کوبیدن نیروهای ایرانی به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس.» (۳).

اما یک هفته بعد از پیروزی ایران و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در برابر پاتک‌های وسیع دشمن و ناتوانی عراق در

۱- ۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

۲- ۳۹. دفتر مرکزی خبر، نشریه "رادیوهای بیگانه"، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۶۴، رادیو آمریکا.

۳- ۴۰. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه "بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴، ۱۰۶۷.

عقب راندن رزمندگان اسلام، به تدریج لحن رسانه های تبلیغاتی قدرت های بزرگ نیز تغییر کرد. نبرد والفجر ۸ اوضاع سیاسی منطقه را دچار دگرگونی شدید ساخت و وسایل تبلیغاتی جهان را مجبور کرد تا با حساسیت بیشتری مسائل ناشی از پیروزی های ایران را دنبال کنند. به همین جهت از این پس شاهد توجیه علل ناتوانی عراق در باز پس گیری فاو و موکول کردن آن به تغییر اوضاع جوی هستیم. آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان امور خاورمیانه ای آمریکا در جنگ تحمیلی، معضل اصلی عراق را در فاو چنین بیان می کند:

«مشکل اصلی عراق آن است که نمی خواهد متحمل تلفات شود، در صورتی که ایران به خصوص در حمله ی اولیه، آمادگی پذیرش تلفات سنگین را دارد. از جمله مشکلات هر جنگ آن است که نمی توان بدون تحمل تلفات دست به ضد حمله زد. معمولاً تلفات در ضد حمله پنج تا ده برابر آن در حالت دفاعی است. عراق ترجیح می دهد به جای تحمل تلفات سنگین، بخش های کوچکی از خاک خود را از دست بدهد.» (۱).

روزنامه ی واشنگتن پست نیز نظریات کردزمن را به گونه ای دیگر بیان کرده است: «بزرگترین مشکل عراقی ها اجتناب آنها از متعهد ساختن پیاده نظام خود به دفع حملات ایران است. آنها به جای این امر، استفاده از آتش توپخانه، بمباران جت های جنگنده و آتش راکت هلی کوپترهای جنگی را انتخاب کرده اند. چنین جنگ هایی احتیاج به انگیزه ی شدید و تعهد کامل سربازان دارد که بنظر کارشناسان، در ارتش عراق نقصان آن مشهود است. بنابر اظهار یکی از تحلیل گران نظامی، مجموعه ای از ملاحظات سیاسی در عراق به فرماندهی نظامی فشار وارد می کند و عمده ی تصمیم بر آن است که از دادن تلفات زیادی که باعث نارضایتی های سیاسی داخلی شود، اجتناب گردد.» (۲).

عراق در منطقه ی فاو به لحاظ غافل گیری در مکان و تاکتیک، در برابر

ص: ۵۹

-
- ۱- ۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی نشریه "گزارش های ویژه"، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴، رادیو امریکا، ۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴.
 - ۲- ۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش های ویژه"، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴، رادیو امریکا، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

رزمندگان اسلام دچار انفعال شد، لذا به رغم تلاش هایی که انجام داد نتوانست در عقب راندن رزمندگان اسلام موفقیتی کسب نماید.

اعتراف به شکست

با گذشت زمان و تثبیت موقعیت نیروهای خودی در منطقه فاو و به دنبال گزارش های رسانه های غربی، سخن فرماندهان و مسئولان عراق نیز رفته رفته تغییر کرد. توانایی جمهوری اسلامی در پشتیبانی رزمندگان و پشتیبانی هوایی منطقه عملیات و تأمین آتش پشتیبانی، سرانجام عراقی ها را که ابتدا حتی حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو را تکذیب می کردند، مجبور ساخت تا ضمن اعتراف به شکست در این نبرد، باز پس گیری آن را بسیار مشکل و دور از دسترس قلمداد کنند. در اوضاع جدید، عراقی ها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو نبودند، تا آنجا که لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه با القبس گفت:

«مسئله ی تصرف منطقه ی فاو از سوی ایرانیان به حدی آشکار بود که دیگر نمی توانستیم آن را منکر شویم و برای ما ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است.» (۱).

عراقی ها به ناتوانی خود برای باز پس گیری فاو نیز اعتراف نمودند. عدنان خیرا... وزیر دفاع وقت عراق در مصاحبه ای اعلام کرد:

«باز پس گرفتن شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است. وجود باتلاق ها و نمک زارها در این سرزمین، مانع اصلی عملکرد واحدهای عراقی هستند.» (۲).

ماهر عبدالرشید نیز در این باره گفت:

«فکر نمی کنم به این زودی ها عراق بتواند در پس گرفتن فاو کسب موفقیت سریعی را پیش بینی بنماید.» (۳).

در عین حال که عراق در آن وضعیت برای باز پس گیری فاو توانایی نداشت، لیکن به لحاظ ارزش منطقه تصرف شده، به این مسئله واقف بود که تنها باز پس گیری فاو می تواند مجدداً توازن را به سود عراق بازگرداند.

ص: ۶۰

۱- ۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش های ویژه"، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۴۴. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه "بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۵، ۱۰۹۹، زودپچه سایتونگ (چاپ آلمان) ۳۱ مارس ۱۹۸۶.

۳- ۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش های ویژه"، ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. واشنگتن پست.

خبرنگار رادیو بی.بی.سی درباره اهمیت فاو برای عراق می گوید:

«باز پس گیری شبه جزیره ی فاو هنوز برای عراق یک اولویت کلی است و اگر عراق نتواند فاو را پس بگیرد، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طور خطرناکی از بین برود.» (۱).

بدین ترتیب، عراق به ناچار و از موضع ضعف، موقتا از باز پس گیری فاو چشم پوشید و این مسئله را به زمان دیگری موکول و رسماً اعلام کرد که در موقعیت فعلی قادر به باز پس گیری فاو نیست. اعترافات رسمی عراقی ها و توقف اقدامات عملی آنها موجب گردید روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. در واقع تا پیش از این به تثبیت منطقه تصرف شده در دست نیروهای ایران با تردید نظر می شد و به توانایی عراق برای باز پس گیری آن امیدواری زیادی وجود داشت. لیکن اعتراف عراق به این ناتوانی، انعکاس نامطلوبی به زیان عراق داشت. رادیو آمریکا به نقل از ناظران سیاسی غرب در این باره گفت:

«عراق ظاهراً تصمیم گرفته است از کوشش های خود برای باز پس گیری فاو، به خاطر تحمل بهای گزاف نظامی - سیاسی، دست بکشد.» (۲).

هفته نامه لوموند چاپ فرانسه نیز در تحلیلی نوشت:

«در ستاد ارتش عراق پذیرفته شده که باز پس گیری فاو طولانی و پرهزینه خواهد بود.» (۳).

توجیه به برتری نظامی رزمندگان اسلام

با تثبیت موفقیت های رزمندگان اسلام در منطقه ی عملیاتی فاو طی دو ماه و نیم جنگ و مقاومت و مقابله با اکثر یگان های ارتش عراق و زبده ترین آنها، موقعیت برتر نظامی جمهوری اسلامی مورد تأیید جهان قرار گرفت. قبل از فتح فاو، در عین حال که به دلیل تهاجم های پی در پی رزمندگان ابتکار عمل در دست ایران بود، اما عدم تثبیت مناطق تصرف شده موجب گردیده بود که از نظر نظامی چنین ارزیابی

ص: ۶۱

۱- ۴۶. دفتر مرکزی خبر، نشریه "رادیوهای بیگانه"، ۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۴۷. روزنامه ابرار ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۳- ۴۸. مأخذ شماره ۳۸، به نقل از لوموند هفتگی، فوریه ۱۹۸۶.

شود که عراق به دلیل برتری هوایی، آتش توپخانه و لجستیک، در اتخاذ مواضع دفاعی موفق بوده و توانسته است کنترل اوضاع را در اختیار داشته باشد؛ اما تصرف فاو و ناتوانی عراق در باز پس گیری آن، نقطه ی پایانی بر تأکیدات پیشین مبنی بر توانایی نظامی عراق بود. یک هفته نامه نظامی در این زمینه نوشت:

«تا پیش از حمله ایران به بندر متروکه فاو، چنین تصور می شد که عراقی ها کنترل اوضاع نظامی را در دست دارند.» (۱).

خبر گزار یونایتد پرس نیز به نقل از منابع اطلاعاتی خبری گفت:

«تهاجم ایران به فاو بزرگترین مشکل نظامی عراق در ۵ سال جنگ است.» (۲).

همچنین خبر گزار ی رویتر به نقل از دیپلمات ها گزارش داد:

«موفقیت های ایران به تصویر تفوق نظامی که به دقت رسم شده بود آسیب رسانیده است. تغییرات نظامی بیشتر به زیان عراق، می تواند به حکومت بغداد لطمه وارد سازد.» (۳).

بنابراین، علاوه بر آن که فتح فاو موقعیت نظامی عراق را تضعیف و متزلزل کرد، متقابلاً موجب توجه جدی قدرت های خارجی به برتری نظامی رزمندگان اسلام شد. خبر گزار ی رویتر به نقل از کارشناسان سیاسی و نظامی در خلیج فارس، اعلام کرد:

«حملات موفقیت آمیز ایران به عراق، برای اولین بار به ایران امتیاز نظامی بخشیده است و می تواند نقطه عطفی در تاریخ جنگ پنج و نیم ساله خلیج (فارس) باشد.» (۴).

ص: ۶۲

۱- ۴۹. خبر گزار ی جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش های ویژه"، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵، رادیو اسرائیل، ۳۰ / ۱ / ۱۳۶۵، به نقل از هفته نامه "یواس نیواندورلد ریپورت" چاپ امریکا.

۲- ۵۰. روزنامه کیهان، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۳- ۵۱. خبر گزار ی جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش های ویژه"، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۴- ۵۲. همان.

ماجرای مک فارلین و تأثیر آن بر روابط امریکا، عراق و کشورهای منطقه

یکی از مسائل سیاسی مهمی که همراه با پیامدهای عملیات والفجر ۸ مطرح می شود، ماجرای "ایران گیت" یا سفر مک فارلین، مشاوره امنیت ملی رئیس جمهور امریکا، به همراه مقدار محدودی سلاح و قطعات یدکی نظامی به ایران است. از نظر امریکایی ها سال ۱۳۶۴ موقعیت مناسبی برای آزمون نزدیکی و ایجاد رابطه با ایران به شمار می رفت، زیرا فشار فراوان به ایران پس از فتح خرمشهر و به خصوص، گسترش جنگ شهرها و حمله به مناطق اقتصادی و نفتی، از نظر آنها زمینه از سرگیری روابط را ایجاد کرده بود. علاوه بر این، حضور مؤثر جمهوری اسلامی در روند حوادث لبنان که پس از اشغال جنوب لبنان به دست نیروهای اسرائیل در اوایل سال ۱۳۶۱ رخ داد، موجب چالش در پیشبرد سیاست های امریکا در منطقه شد. به ویژه، موج گروگان گیری دیپلمات ها و خبرنگاران امریکایی و اروپایی وضعیتی به وجود آورده بود که امریکایی ها برای رهایی گروگان هایشان، خود را نیازمند ایران می دیدند، به خصوص که تمهیدات و اقدامات آنها برای مقابله با گروگان گیری و مهار آن، مؤثر واقع نشده بود. در این اوضاع، در ۲۴ خرداد ۱۳۶۴، هواپیمای "تی. دبلیو. ای" امریکا نیز به دست گروهی از شیعیان لبنان ربوده شد که خواسته اصلی آنان آزادی مسلمانان لبنانی زندانی در اسرائیل بود. این ماجرا تا ۸ تیر ۱۳۶۴ ادامه یافت و سرانجام با نفوذ ایران حل شد. این اقدام، موجب امیدواری امریکایی ها به آزادی گروگان های غربی در لبنان شد. جمهوری اسلامی نیز مایل بود از این امکان بالقوه (نفوذ معنوی در جنبش اسلامی لبنان) برای دست یابی به سلاح هایی که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی در امریکا بلوکه شده بود و همچنین، دریافت طلب یک میلیارد دلاری خود از فرانسه، استفاده کند؛ به خصوص که ایران در آن وضعیت جنگ به سلاح و ارز نیاز مبرم داشت.

افزون بر این، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از سیاست‌های اصلی رؤسای جمهور امریکا، بهبود روابط با ایران و گشودن باب مذاکره و از سرگیری روابط با جمهوری اسلامی بود. آنها از این اقدام پی در پی چند هدف بودند:

۱- ورود به ایران به منظور حضور در متن حوادث کشور و برنامه ریزی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی. ۲- شکستن ابهت و اقتدار منطقه ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی. ۳- شکستن آرمان "باور به خود" در میان مسلمانان و انقلابیون جهان سوم. ۴- استحاله آرمان‌های انقلاب و عبرت ساختن آن برای دیگران. از این رو، سیاستمداران ایالات متحده امریکا مترصد فرصت مناسب برای ایجاد روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران بودند.

بدین ترتیب، فشارهای وارد شده به ایران از جنبه اقتصادی، دشواری‌های میدان نبرد و نیاز مبرم ایران به سلاح و همچنین، تنگ شدن عرصه بر امریکا و کشورهای غربی از تلاش انقلابیون لبنان و نیز توانایی ایران در کمک به آزادی‌گروگان‌های غربی در لبنان، عواملی بود که از نظر سیاستمداران ایالات متحده، زمینه برقراری روابط با ایران را مهیا کرده بود. امریکایی‌ها از روش‌ها و تلاش‌های پراکنده گذشته برای ایجاد ارتباط با ایران که به شکل غیر مستقیم و عمدتاً با وساطت کشورهای چونی ترکیه، ژاپن و آلمان صورت می‌گرفت، صرف نظر کرده مستقیماً به برقراری روابط با ایران اقدام کردند. روندی که انجام آن تدریجی و پنهانی بود. نشریه فارین ریپورت در این باره نوشت:

«سال ۱۹۸۵ میلادی (۱۳۶۴) سال توجه امریکا به ایران بود. در این سال دکتر هنری کیسینجر، وزیر خارجه پیشین امریکا یک گزارش سری در مورد ایران به ریگان تسلیم کرد و ضرورت گشودن کانال‌های ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با ایران را به وی یادآور شد. در ضمن این حقیقت را به او گوشزد کرد که تا زمانی که یک جناح میانه رو و قدرتمند مایل به گفت و گو با امریکا در

بین رهبران آن کشور وجود نداشته باشد، هیچ گونه پیوند و یا مصالحه ای بین دو کشور صورت نخواهد گرفت.» (۱).

مبتهی بر این رهیافت که تقریباً اجتماع نظر عمومی در میان مقامات و جناح های امریکایی درباره آن وجود داشت، دولت ریگان دست به ارسال اقلام بسیار محدود سلاح به ایران زد و در پی آن، مک فارلین، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور امریکا به ایران سفر کرد. هدف های این اقدام آن گونه که ریگان، رئیس جمهور امریکا پس از افشای ماجرا اعلام کرد، عبارت بودند از:

۱ - از سرگیری روابط با ایران.

۲ - خاتمه دادن به جنگ.

۳ - از بین بردن ریشه های تروریسم (منظور حرکت های مردمی و انقلابی علیه امپریالیسم است).

۴ - حل مسئله گروگان ها در لبنان. (۲).

در این میان این هدف ها، از سرگیری روابط و حل مسئله گروگان ها به ترتیب مهم ترین عوامل مؤثر بر دیپلماسی پنهانی امریکا با ایران بودند. این در حالی بود که تصمیم گیرندگان امریکایی برای مصرف داخلی، حل مسئله گروگان ها را مهم ترین عامل در اجرای ماجرای "ایران گیت" عنوان کردند.

اولین اقدام در این روند، ارسال سلاح به ایران بود. منابع خبری غرب این عمل را اینگونه توجیه کردند که وقتی کاخ سفید از کمک سوریه به آزادی گروگان ها ناامید شد و ایران نیز توانست برای آزادی گروگان های هواپیمایی تی. دبلیو. ای، در تیر ماه ۱۳۶۴ کمک کند، امریکایی ها به این نتیجه رسیدند که با تأمین برخی از لوازم یدکی و تجهیزات مورد نیاز ایران، موجبات جلب نظر مسئولان ایران را فراهم کنند. این لوازم یدکی، همان هایی بود که شاه از امریکا خریداری کرده بود، اما امریکا به دلیل تحریم فروش سلاح به ایران، آنها را بلوکه کرده بود. امریکایی ها با وجود تن دادن به این سیاست، از دادن سلاح های استراتژیک که موجب پیروزی ایران در جنگ شود، خودداری کردند و

ص: ۶۵

۱- ۵۳. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، فصلنامه بررسی های نظامی، "جنگ تحمیلی و نفت"، تهران، ۱۳۷۳، شماره ۱۴، ص ۶۰.

۲- ۵۴. محمد درودیان فاو تا شلمچه (تهران مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۱)، ص ۸۹.

تنها به تحویل تعدادی موشک تاو، تجهیزات سیستم موشکی ضد هوایی هاوک (هاگ) و یکی دو قلم دیگر از این دست، اقدام کردند. البته امکان تهیه این سلاح ها از بازار آزاد نیز کم و بیش وجود داشت. به همین دلیل، هم زمان با دیپلماسی پنهان، امریکا در جهت مسدود کردن کانال های تهیه تسلیحات ایران از بازار آزاد، تلاش چشم گیری به عمل آورد. موج دستگیری ها، بازداشت و زندانی کردن اعضای حدود ۲۱ شبکه قاچاق اسلحه، حکایت از این امر داشت که امریکا درصدد بوده است با بستن کانال های دستیابی ایران به تسلیحات مورد نیاز پیشرفته و غیر پیشرفته، از آن به عنوان امکان جهت اهداف خود بهره برداری کند. (۱).

بدین ترتیب، نیازمندی امریکا به ایجاد ارتباط با ایران، با ارسال محدود سلاح به ایران از خرداد ۱۳۶۴ تا اسفند همان سال شکل گرفت. پس از آن امریکا کوشید با ایران ارتباط مستقیم برقرار کرده و واسطه ها را حذف کند. تلاش امریکا برای حذف هر گونه واسطه و برداشتن گام بزرگتر، موجب سفر مک فارلین به ایران شد. سرانجام در چهارم خرداد ۱۳۶۵ هواپیمای حامل مک فارلین و همراهانش در تهران به زمین نشست. طی سه روز اقامت مک فارلین و همراهانش در ایران، مذاکراتی با رابطین ایرانی صورت گرفت، اما نتیجه روشنی در پی نداشت. مک فارلین با درک عدم موفقیت، تأسف خود را به طرف ایرانی مذاکره کننده ابراز کرد و با بیان این که فرصت گران بهایی از دست رفت (!)، ناموفق به امریکا برگشت. (۲).

در پی اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در سالگرد تصرف سفارت امریکا در تهران (۱۳ / ۸ / ۱۳۶۵)، در افشای سفر مک فارلین، کاخ سفید با بحران سیاسی کم سابقه ای روبه رو شد؛ زیرا هر آنچه را که ریگان به عنوان انگیزه تماس با جمهوری اسلامی مطرح می ساخت، با شکل خاصی که ایران در این دیپلماسی انقلابی به کار بست، ضعف امریکا در برخورد با مسائل جهانی تلقی شد و تیر هدف هایی که ریگان با قصد کاهش فشار جو داخلی و

ص: ۶۶

۱- ۵۵. مأخذ شماره ۵۱، "جنگ تحمیلی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی"، ص ۹۹.

۲- ۵۶. دفتر سیاسی سپاه پاسداران، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۱۲.

سرخوردگی سیاست امریکا در صحنه بین المللی مطرح کرده بود، موجب تشدید بحران شد. حتی اگر ریگان می توانست با هر کوششی وانمود کند که از نماینده کاخ سفید در ایران استقبال به عمل آمده است، اعزام یک عنصر برجسته به ایران، به بیانگر ضعف امریکا و انفعال این کشور در برابر ملت و رهبری انقلاب اسلامی تلقی می شد. زیرا برای تمام ناظران سیاسی مشخص بود که چنین تلاشی در این سطح، به مراتب فراتر از اقدام در جهت آزادگی گروگان های امریکایی در لبنان بوده است و این تلاش به عنوان قدمی آشتی جویانه در ارتباط با یک انقلاب ارزیابی می شد و دقیقا با همین برداشت، مسئله بی اعتباری سیاست های منطقه ای امریکا در روابط با متحدان منطقه ای اش، قوت گرفت.

وقوع ماجرای مک فارلین، لطمه ی شدیدی به اعتبار امریکا در صحنه ی سیاست بین الملل وارد ساخت و جوی آکنده از بی اعتمادی و سوء ظن بین این کشور با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و به خصوص عراق به وجود آورد. مقامات عراق به طور رسمی این سیاست امریکا را محکوم و آن را نقض بی طرفی و معارض با نقش این قدرت بزرگ در حفظ امنیت و صلح بین المللی اعلام کردند. عراقی ها همچنین امریکا را متهم کردند که در عملیات والفجر ۸ و از دست دادن فاو، اطلاعات گمراه کننده ای به آنها داده است.

اقدام دیگر عراق در این برهه، نزدیکی هر چه بیشتر به شوروی بود. در این حال، اتحاد جماهیر شوروی از شرایط موجود نهایت بهره برداری را کرده و با ارسال سلاح به عراق، روابط خود را با متحد دیرینه اش بهبود بخشید. این ارتقاء روابط به گونه ای بود که در پی حمایت شوروی از فشار عراق بر ایران در جنگ شهرها، دوره ی سختی بر ایران گذشت. منابع تأمین برق کشور، مناطق مسکونی و مراکز صنعتی و اقتصادی کشور به شکل گسترده ای در معرض بمباران و هدف موشک های عراقی قرار گرفت. این فشار، به لحاظ این که ایران در سیاست خارجی امریکا در منطقه، تشتت و سردرگمی ایجاد کرده بود، مورد استقبال ایالات

از سوی دیگر امریکا تلاش فوق العاده ای به عمل آورد که چالش داخلی و خارجی ناشی از ماجرای مک فارلین را به حداقل کاهش دهد. جهت دستیابی به این هدف، در صحنه جنگ با دادن اطلاعات استراتژیک به عراق سعی کرد روابط خود با عراق را به شکل سابق بازگردانده و از گسستگی بیشتر این روابط جلوگیری کند. مهمترین اقدام امریکا در این زمینه، آگاه کردن مقامات عراقی از منطقه مورد نظر ایران برای عملیات کربلای ۴ و جزئیات مانور آن بود.

علاوه بر این امریکایی ها در جریان جنگ شهرها و حملات هوایی عراق به منابع برق و تأسیسات صنعتی ایران، اطلاعات با ارزشی در اختیار عراق قرار دادند. این تلاش ها به ویژه موفقیت عراق در عقب راندن رزمندگان اسلام در عملیات کربلای ۴ که در حد زیادی اطلاعات امریکایی ها در آن نقش داشت و در صورت شکست عراق، به احتمال زیاد، این رژیم در بن بست سیاسی - نظامی بی سابقه ای گرفتار می شد، موجب نزدیکی و بهبود نسبی روابط عراق و امریکا شد. گرچه پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات کربلای ۵ یک بار دیگر سوء ظن عراقی ها را برانگیخت و آنها تصور کردند امریکا، یک بار دیگر آنها را فریب داده است، از این رو بار دیگر در روابط بین دو کشور چالش ایجاد شد.

اقدام دیگر امریکا برای کاهش فشار، متهم کردن مسئولان جمهوری اسلامی به ملاقات با مک فارلین بود. آنها کوشیدند ثابت کنند که مسئولان نظام با فرستاده ویژه ریگان ملاقات کرده اند، اما در این زمینه موفقیتی به دست نیامد زیرا حتی نتوانستند نام مسئولان ملاقات کننده را ارائه دهند. و بالاخره آن گاه که با موضع گیری قاطع امام خمینی مواجه شدند، با طرح مسائلی "چون اسرائیل از دلالتان فروش سلاح های امریکایی به ایران ۳۰ میلیون دلار سود برده است." و یا این که "امریکا پول فروش سلاح های فروخته شده به ایران را حساب ضد انقلابیون نیکاراگوئه واریز کرده است." سعی کردند تا چهره انقلاب

اسلامی ایران را در برابر امریکا مخدوش کنند.

مزید بر این، اقدام دیگر امریکا در اعزام هیئت های دیپلماتیک به کشورهای عربی منطقه ی خلیج فارس بود تا از این طریق و با توجیه اقدام انجام شده، به آنها دلگرمی داده و حمایت کاخ سفید از این کشورها را دوباره اعلام کند. زیرا پس از افشای ماجرا، شیوخ عرب خلیج فارس، دچار ابهام و حیرت شده بودند. آنها مشاهده کردند که امریکا برای منافع خود حاضر است متحدان دیرینه خود را در برابر ایران، قربانی کند.

بدین ترتیب، ماجرای مک فارلین به دلیل هوشیاری امام خمینی به یک پیروزی بزرگ برای جمهوری اسلامی تبدیل شد. و در مقابل امریکا در باتلاقی فرو رفت که پی آمدهای منفی بسیاری در روابط سیاسی این کشور با کشورهای دیگر به جای گذاشت و اعتبار ایالات متحده را مخدوش ساخت.

این اقدام به طور خاص در رابطه با جنگ ایران و عراق، موجب شکاف سیاسی میان امریکا با عراق و کشورهای عرب منطقه شد.

ص: ۶۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

